مقدمه‌ای بر عروض فنّی در زبان کردی

اکرام صالحی کریم

« جلد اوّل »

بسم الله الرحمن الرحیم

مقدمه‌ای بر

عروض فنّی در زبان کُردی

تحقیق: اکرام صالحی «ئه‌کره‌م»

نام کتاب : مقدمه‌ای بر عروض فنی در زبان کردی
تدوین : اکرام صالحی
تیراژ : ۳۰۰۰ جلد
نوبت چاپ : اول ـ چاپ ساحل ـ مرداد ماه ۱۳۷۶
طرح روی جلد : هادی ضیاء الدینی
خط : رضا آهوخش

پیشگفتار

۱ـ طوایف کُرد بدون تردید از آن مردمی‌اند که از روزگاران قـدیم در سرزمین خود که بخشی از ایران است جایگیر بوده‌اند.....
و زبان و آداب آن مردم یکی از دیرینه ترین زبـان و آداب ایـرانـی است و شعر کردی یکی ازاقسام شعرهای پنج هجایی قدیم است.

سبک شناسی ـ ج ۱ ـ ص ۵ ـ زیرنویس ۲ ـ استادبهار

۲ـ و پیداست که زبان مردم ماد یا ماه زبانی بوده است که با زبان دورهٔ بعد از خود که زبان پادشاهان هخامنشی می‌باشد تفاوتی نـداشـته. زیرا هرگاه زبان مردم مـاد کـه بـخش بـزرگ ایـرانـیان و مـهمترین شهرنشینان آریایی آن زمان بـوده‌انـد بـا زبـان فـارسی هـخامنشی

تفاوتی می‌داشت هر آینه کورش و داریوش و غیره در کتیبه‌های خود که به سه زبان فارسی، آشوری و عیلامی است زبانِ مادی را هم می‌افزودند تابخشی بزرگ از مردم کشور خود را از فهم آن نبشته‌ها ناکام نگذارند.

سبک شناسی ـ ج ۱ ـ ص ۵ ـ پاراگراف اوّل، استاد بهار

۳ـ در شعر لهجه‌های کُردی، گورانی، اورامی و خراسانی (که همه لهجه‌های شمالی می‌باشند) کمیّت هجا دخالتی ندارد در واقع همه اوزانی که تاکنون در زبان پهلوی یافت شده بر این مبنا استوار است.

وزن شعر فارسی، دکتر خانلری، ص ۴۷ ـ پاراگراف ۳

۴ـ خط و زبان پهلوی در تنگنای شدیدی افتاد و دستخوش بلایا و مِحَن شد و در معرض فنا و زوال قرار گرفت معذلک تا قرن پنجم و ششم هجری از بین نرفت و نه تنها در پناه حامیان فعّال و دانشمندی چون مؤبدان پارس و علمای ساکن بغداد و نقاط دیگر زنده مانده بود بلکه هنوز تادیری کتب ادبی و افسانه‌هایی در مغرب ایران که مردم آن خود به زبان پهلوی یا لهجه‌هایی نزدیک بدان سخن میراندند رایج بود و خط و زبان مزبور خوانده میشد و .... الخ

سبک شناسی، ج ۱ ـ ص ۱۴۵ ـ پاراگراف ۲ ـ استاد بهار

۵ـ اکراد آریایی نژاد به سببی که بر ما پنهان است حروف ویژهٔ عرب را مثل خود عربان از مخرج ادا می‌کنند در حالتی که بعضی از مخرج‌های قدیم آریایی راکه دیگر ایرانیان فراموش کرده‌اند مانند: (خو) و واوهای مجهول و غیره را هم در کمال صحّت ادا می‌کنند و این عجیب است:

سبک شناسی ـ ج ۱ ـ ص ۱۹۵ ـ پاراگراف ۲ ـ استاد بهار

۶ـ در تمام این مدت (زمان جایگیر شدن اسلام در ایران) زبان ملی ایران زبان قدیم بود. هر ایالتی به لهجهٔ خود سخن گفتندی و زبان علمی نیز در مغرب و جنوب ایران زبان پهلوی و در مشرق زبان دری بوده است.

سبک شناسی، ج ۱ ـ ص ۲۳۱ ـ پاراگراف ۲ ـ استاد بهار

به نام خدا

مقدمه

نوشتن این جزوهٔ ناقص دلیلی بر ادعای تألیف و تصنیف نیست. چه حقیر خود را کوچکتر از آن می‌داند که در اندیشهٔ جولان در عرصهٔ سیمرغ باشد، اما تنهایی و گوشه‌نشینی این فیض را نصیب من ساخت تا در خلوت ناخواستهٔ خویش به مطالعه و بازخوانی کتابهایی بپردازم که تنها سرمایه و بضاعت ناچیز سالهای معلمی است، با این اعتقاد که مطالعهٔ هر کتاب در مقاطع مختلف سنّی برداشت‌ها و باورهای متفاوتی را به ذهن خواننده القا می‌کند.

در بازنگری کتاب‌های شعر کُردی و فارسی پاره‌ای مسایل فنی در رابطه با قافیه و عروض ذهن حقیر را به خود مشغول داشت. در چند سال قبل به همت روانشاد استاد دکتر خانلری شعر فارسی توانست در زمینه عروض سیر اصلی و علمی، فنی خود را پیدا نماید و خود را از زیر بار سنگین و نا به جای عروض عرب یا عروض خلیل ابن احمد

رها سازد.

امّا متأسفانه شعر کُردی بخاطر کم توجهی و یا صادقانه‌تر بگویم بی‌توجهی و بی‌مهری استادان زبان فارسی بخصوص استادان کُرد زبان این رشته که می‌بایست در ادبیات غنی کُردی کنکاشی میکردند همچنان در زیر بار عروض سنگین و سخیف کلاسیک که از قرن دوم هجری قواعد نابجا و غیر علمی خود را بر شعر ایرانی (کردی و فارسی) تحمیل کرده بود نفس می‌کشید. آخرین اثری که در زمینه عروض کُردی مطالعه نمودم کتابی بود از استاد عبدالکریم مدّرس (چاپ ۱۹۹۲م) که شیوهٔ تقطیع در آن کتاب به همان شیوهٔ خلیل‌ابن احمد بود و هیچگونه نوآوری در آن به چشم نمی‌خورد.

با توجه به همریشه بودن زبان و ادبیات کُردی و فارسی، اشعار فراوانی از شاعران کُرد را طبق قواعد عروض فنی فارسی تقطیع نمودم و با اشعار هموزن آنهادر فارسی مقایسه نمودم امّا از همان آغاز کار با مشکلاتی روبرو گردیدم که در ذیل به شرح آنها می‌پردازم.

بنا به تعریف هجا، دومین واک هرهجا باید واکه‌ای باشدکوتاه یا بلند (۷ یا ۷̄) امّا مشاهده گردید که در بعضی از هجاهای کُردی بعد از همخوان آغازین (C) واکه‌ای وجود ندارد، مانند واژه‌های یک هجایی: من (مَن)، دلّ (دِل)، ژن (زَن)، گلّ (گِل) ، گرّ (شعله) و ...

و به نظر می‌رسید که هجاهای فوق از دو همخوان (C C) تشکیل شده باشند بترتیب زیر:

من = M N = C C

دڵ = D Ĭ = C C

ژن = Ž N = C C

گڵ = G Ĭ = C C

گڕ = G ř = C C

در صورتیکه وجود چنین هجایی با توجه به تعریف هجا غیر ممکن و مخالف با الگوهای هجا در زبان فارسی و کوردی میباشد زیرا تمامی هجاهای موجود در زبان فارسی و کوردی که شاخه‌ای از زبانهای هند و اروپایی می‌باشد باید معادل یکی از الگوهای زیر باشد.

الگو	C V	/ C V C	/ C V C C	/ C V̄	/ C V̄ C	/ C V̄ C C
مثال	تو	/ گول	/ مه ست	/ پا	/ پار	/ چاشت
لاتین	to	/ G o l	/ m a s t	/ p ā	/ P ā r	/ Č Ā Š T

امّا با کمک گرفتن ازابزار آوانگار و علم فونتیک و زبان انگلیسی مشخص گردید که واژه‌های یک هجایی، من، دڵ، ژن، گڵ، گڕو... از ۳ واک تشکیل گردیده و دومین واک آنها واکه (مصوت) میباشد که واکه‌ای است خفیف که این نوع واکهٔ خفیف در زبان فارسی استعمال ندارد اما در زبان کوردی موجود و رایج می‌باشد، روانشاد استاد محمد تقی بهار (ملک‌الشعرا) در سبک شناسی اذغان دارند به اینکه واکه‌هایی در زبان کوردی وجود دارد که زبان فارسی امروزی فاقد آن است و از

آنها بعنوان واکه‌های مجهول یاد می‌کند (سبک شناسی ـ جلد اول) اما در زبان انگلیسی‌به فراوانی یافت میشودباعلامت (ə) که‌به آن (شوا=ə) می‌گویند اما در زبان کوردی علامتی برای آن وجود ندارد که من ناچار شدم با این علامت (^) این مصوت خفیف را در الفبای اتبث و الفبای عروض مشخص نمایم به شیوهٔ نوشتاری این هجاها توجه فرمائید.

هجای بلند (-) = C V C = Mən = مِن

هجای بلند (-) = C V C = Dəľ = دِڵ

هجای بلند (-) = C V C = Žən = ژِن

هجای بلند (-) = C V C = Gəľ = گِڵ

هجای بلند (-) = C V C = Gəř = گِڕ

مشکل دوم واکه‌های (ۆ) و (ێ) می‌باشد. بقول استاد بهار این دو واکه نیز جزو واکه‌های مجهول در زبان فارسی می‌باشد در حالیکه در زبان کوردی موجود می‌باشد. اما قرن‌هاست که در الفبای کوردی به غلط این واکه‌ها را کوتاه بحساب می‌آورند ولی آوانگار و نیروی شنیدار بهترین معیار برای بلند بودن، این واکه‌ها می‌باشد برای مثال به واکه هر یک از واژه‌های زیر توجه فرمائید :

الف ـ شڕ (پاره)، شێر (حیوان درنده)، شیر (خوردنی)

ب ـ گوڵ (گُل)، سۆڵ (شور)، سوور (قرمز)

چون در زبان کوردی واکه کوتاه (ـِ = e) کمتر رواج دارد لذا برای

مشخص نمودن دامنهٔ واکه‌های ردیف الف، واکه کوتاه (e) را در حرف اضافه فارسی (به = Be) معیار و ملاک قرار میدهیم. هم از طریق ابزار آوانگار و هم به کمک نیروی شنیدار متوجه میشویم که امتداد مصوت (یٚ) در واژهٔ شیٚر (حیوان) با امتداد واکه (e) در حرف اضافه (به = Be) متفاوت می‌باشد و طول واکهٔ (یٚ) از واکه (e) بیشتر می‌باشد پس واکهٔ (یٚ) را باید جزو واکه‌های بلند ($\bar{V}$) بحساب آورد. برای نشان دادن این واکه از علامت (!) استفاده نموده‌ام.

در ردیف دوم (ب) تفاوت امتداد واکه در هر واژه بخوبی محرز و آشکار می‌باشد و برای نشان دادن این واکه (ۆ) حرفِ (U) را انتخاب نموده‌ام و شیوهٔ نوشتار واژه‌های ردیف (ب) به این صورت می‌باشد.

گوڵ = G o ĭ = C V C

سۆڵ = SUĬ = C $\bar{V}$ C

سوور = S $\bar{U}$ r = C $\bar{V}$ C

با رعایت موارد فوق توانستم بسیاری از اشعار کوردی را بصورت فنی تقطیع نمایم و با مشکل خاصی رو به رو نگردیدم.

تذکر:

طبق نظر تنی چند از استادان زبانشناس در میان زبانهای هند واروپایی تنها دو زبان را میتوان یافت که صورت ملفوظ کلمات با

شکل مکتوب آنها همسان و برابر است و این دو زبان عبارتند از زبان آلمانی و زبان کوردی، با توجه به این مطلب اگر استادان بزرگوار ادب فارسی گوشهٔ چشمی به قواعد زبان کوردی می‌داشتند و آن قواعد را در عروض فنی فارسی به کار می‌بردند متوجه می‌شدند که در بسیاری از موارد نیازی بـه اسـتفاده از اخـتیارات در تـقطیع اشـعار فـارسی پـیدا نمی‌کردند به تقطیع مصراعی از دوبیتی باباطاهر که درکـتاب عـروض سال چهارم دبیرستان انجام گرفته توجه فرمائید البته لازم به تذکر است که همین مصراع را با توجه به قواعد کوردی تقطیع می‌نمائیم امیدوارم مورد توجه قرار بگیرد.

الف ـ تقطیع فارسی، دلی دارم چو مرغ پا شکسته

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱
دِ	لی	دا	رم	چُ	مر	غِ	پا	شِ	کس	تِ
ل	ـ	ـ	ـ	ل	ـ	ل	ـ	ل	ـ	ـ

تقطیع کننده محترم واکهٔ هجای هفتم (غِ) را کوتاه بـحساب آورده است در حالیکه اگر به تلفظ دقیق آن توجه نمائیم متوجه می‌شویم که مصوت این هجا با مصوتِ اولین هجای مصراع (دِ) متفاوت می‌باشد و نمی‌توان واکهٔ هجای هفتم را معادل واکهٔ هـجای اوّل دانست ولی در کتاب عروض واکهٔ هجای هفتم معادل واکهٔ هجای اَولِ مصراع گرفته و

با استفاده از اختیارات آن را به واکهٔ بلند تبدیل نموده یعنی هجای (غِ) باید (غی) خوانده شود در حالیکه طبق قواعد عروض فنی در کوردی واکهٔ هجای هفتم (یٚ) میباشد که این واکه بلند بحساب می‌آید.

ب ـ تقطیع کوردی: دلیِ دارم چو مرغ پا شکسته

دِ لي دا روم چو مور غیٚ پا شِ کەس تِ

Te Kas Še Pā G! Mor Čo Rom Da Li De

Paa Gee Daa Lee

- - u /- - - u /- - - u

در نتیجه تنها در هجای آخر مصراع از اختیارات استفاده نموده و در مورد سایر هجاها از هیچگونه اختیاری استفاده ننموده است.

تا چه قبول افتد و چه در نظر آید

واج (واک)

صداهای تمیز دهندهٔ معنا را واج (واک) می‌نامند مانند واژه‌های در (dar) و سر (sar) که هر کدام از ۳ واج تشکیل شده و تغییر هر یک از واج‌ها در این دو واژه باعث تغییر معنی آنها می‌گردد.

حروف در زبان کوردی:

الف ـ حروف بیصدا یا صامت (همخوان) با علامت اختصاری (C) مخففِ (Cansonant)

ب ـ حروف صدادار بلند (واکه‌های بلند) با علامت اختصاری ($\bar{V}$) مخفف : (Vowel)

پ ـ حروف صدادار کوتاه و خفیف (واکه‌های کوتاه و خفیف با علامت اختصاری (V) مخفف : (Vowel)

۱ـ حروف صدادار بلند (واکه‌های بلند) در زبان کوردی = ($\bar{V}$)

۱ـ $\bar{V} = \bar{a}$ = (ا) الفِ کشیده

۲ـ $\bar{V} = \bar{U}$ = (وو)

۳ـ $\bar{V}$ = i = (ێ)

۴ـ $\bar{V}$ = ! = (ی)

۵ـ $\bar{V}$ = U = (وٚ)

۲ـ حروف صدادار کوتاه و خفیف در زبان کوردی = (V)

۱ـ V = a = (ـه) کوتاه ← سەر = Sar

۲- V = o = (و) کوتاه ← گولّ = Goľ

۳- V = e = (ـِ) کوتاه ← (۳) سی = Se

۴- V = (a) = (^) خفیف ← دِلّ = Daľ (ə)

برای تلفظ صحیح همخوان‌هایی که در الفبای کوردی به همخوان پڕ (پُر در فارسی) مشهور هستند از علامت (ـٓ) استفاده میشود. مانند تلفظ (ڕ) در واژهٔ (ڕۆژ) و همخوان (ڵ) در واژهٔ (تاڵ) و ...

و چون در بحث قافیه و عروض برای تلفظ درست هجا وواک از الفبای لاتین استفاده می‌کنیم پس شناخت چند حرف از حروف لاتین ضروری می‌باشد که عبارتند از.

۱- ? = (همزه و ع)

۲- Č = (چ)

۳- Š = (ش)

۴- X = (خ)

۵- Ž = (ژ)

و برای نوشتن واک‌های ق و غ از علامت (خط) برای ق و (نقطه) برای غ استفاده کرده‌ام.

۱- ق = $\bar{g}$

۲- غ = ġ

برای مصوت خفیف از علامت (^) که معادل شوای (a) انگلیسی می‌باشد در زبان کوردی استفاده نموده‌ام.

۱ - ۷ = a = (^) (ə)

الگوی هجا در زبان کوردی

با توجه به علامت اختصاری صامت‌ها (C) و مصوت‌های بلند ($\bar{V}$) و کوتاه و خفیف (V). تمامی هجاهای زبان کوردی تابع یکی از الگوهای زیر می‌باشد.

۱- C V

۲- C V C

۳- C V C C

۴- C $\bar{V}$

۵- C $\bar{V}$ C

۶- C $\bar{V}$ C C

مثال:

۱- الف کشیده با علامت : $\bar{a}$، مانند پا = P$\bar{a}$ = C$\bar{V}$

۲- (وو) کشیده با علامت: $\bar{U}$ مانند موو = M$\bar{U}$ = C$\bar{V}$

معنی فارسی

۳-(يِ) کشیده با علامت: i بيِ = Bi = $C\bar{V}$ - به معنای درخت بید

۴-(یٚ) کشیده با علامت: != کیٚ =k! = $C\bar{V}$ - ضمیر پرسش

۵-(وٚ) کشیده با علامت: U = بوٚ = BU = $C\bar{V}$ - ضمیر پرسش

۶- زیٚـرٚ = Z!ř = $C \bar{V} C$ - طلا

۷- سوٚڵ = SUĬ = $C \bar{V} C$ - شور

۸- چیٚشت = C!ST = $C\bar{V}CC$_غذا

۹- نووست = NŪST = $C\bar{V}CC$

_خوابید

۱۰- نه = Na = CV - قید نفی

۱۱- به = Ba = CV - حرف اضافه

۱۲- (^) دِڵ = DaĬ = CVC - قلب، دِل

۱۳-مِن - Man - CVC - ضمیراول شخص

جدا

۱۴-مِشت = MašT = CVCC - مُشت

۱۵-گِشت = GašT = CVCC - ضمیر مبهم

در الفبای نوشتاری ادبیات کوردی (یٚ) و (وٚ) را مصوت کوتاه بحساب می‌آورند در حالیکه این مصوت‌ها را در الفبای عروض فنی حتماً باید بلند بحساب آورد تا وزن درست شعر مشخص گردد زیرا دستگاه آوانگار بخوبی اختلاف امتداد مصوت‌های فوق را نسبت به کسره و ضمه مشخص می‌سازد.

مصوت‌های مرکب (Diphtonge) در زبان کوردی

بر خلاف زبان فارسی که از یک مصوتِ مرکبِ مشخص در چند هجای هماَهنگ محدود مانند: دَوْ (فعل امر از دویدن) = dow و جَو = jow و نَو = Now و رَو = Row استفاده می‌شود در زبان کوردی مصوت‌های مرکب از تنوع زیادی برخوردار است و مورد استفاده قرار می‌گیرد اما همهٔ این مصوت‌های مرکب معادل $(C\bar{V})$ می‌باشند که در عروض یک هجای بلند بحساب می‌آیند.

مانند						**معنی فارسی**
خه‌و	=	Xow	=	$C\bar{V}$		خواب، خوابیدن
شه‌و	=	Šow	=	$C\bar{V}$		شب
که‌و	=	Kow	=	$C\bar{V}$		کبک
چاو	=	Čaʋ	=	$C\bar{V}$		چشم
ناو	=	Naʋ	=	$C\bar{V}$		اسم ـ نام
ڕاو	=	Raʋ	=	$C\bar{V}$		شکار کردن
خوی	=	Xwe	=	$C\bar{V}$		نمک
نوی	=	Nwe	=	$C\bar{V}$		تازه
کوی	=	kwe	=	$C\bar{V}$		کجا؟
دوی	=	Dwe	=	$C\bar{V}$		دیروز
خوا	=	Xwa	=	$C\bar{V}$		خدا
دوا	=	Dwa	=	$C\bar{V}$		پشت سر

کوا	=	Kwa	=	$C\bar{V}$	کو؟
سیو	=	Sew	=	$C\bar{V}$	سیب
کیو	=	kew	=	$C\bar{V}$	کوه
نیو	=	New	=	$C\bar{V}$	اسم . نام

و........الخ

مصوت‌های مرکب از دو واکه تشکیل شده است که بدون اصطکاک لب‌ها تلفظ می‌شود یعنی مصوت‌های دوتایی:

(ow) , (aw) , (we) , (wa) , (ew) , ... معادل یک واکه بلند = $\bar{V}$)

$\bar{a}$) می‌باشد پس هر کدام از هجاهای فوق معادل الگوی ($C\bar{V}$) بوده در نتیجه هجای بلند (ـ) به حساب می‌آید.

بخش قافیه و ردیف

۱ـردیف

کلمه یا کلماتی است که بعد از واژهٔ قافیه قرار می‌گیرد و این کلمه یا کلمات از نظر نوشتار و تلفظ و معنی همسان می‌باشند. بعضی از اشعار فاقد ردیف می‌باشد اما قافیه در اشعار کلاسیک کوردی حتمی و الزامی است.

۲ـواژه قافیه

کلمه یا کلمات هماهنگ و غیر متکرر آخر مصراع‌ها را که در یک یا چند واک آخر مشترک می‌باشند، واژهٔ قافیه می‌نامند.

تذکر:

کلمه یا کلمات ردیف را با علامت (-) و کلمه یا کلمات قافیه را با علامت (+) مشخص می‌سازیم.

اشعار زیر دارای ردیف و قافیه می‌باشند.

تەبعی شە ککە رباریِ مِنکوردی ئەگەر ئینشائەکا
— +
ئیمتحانیِ خوێ مە قسوودیِ کە عەمدا وا ئەکا
— +
یالە مە یدانیِ فە ساحەت دابە مِسلیِ شە هسوار

بی تە ئە ممول بە م هە موو نەو عە زبانیِ وا ئەکا
— +
(نالیِ)

****

هە تا تۆم ئاشنابوویت ئاشنا بووم

ئە مێستاموو بە موو ئە غیارە بێ تۆ
— —+—
لە کِن مِن با وجودیِ ناس و ئە جناس

کە سیِ تێدانیە ئەم شارە بێ تۆ
— +
هە موو ڕۆژی لە تا و هیجرانیِ ئەمسال

تە مە ننای مِردنی پێرارە بێ تۆ
— +
(نالیِ)

****

شوخ وشەنگێ،زوهرە ڕەنگێ،دڵ ژمِن بِر، دِل ژمِن
—— —+—
ئاورین هە یبە ت پلە نگێ، دِل ژمِن بِر، دِل ژمِن
—— —+—
(مە لای جزیری)

****

سوورەتیِ (یاسین) کە وەسفیِ حە زرەتی لە ولا ئەکا
— —
ئە هلیِ دل عاشق بە جیلوەی سوورەتی (طاها) ئەکا
— +

خاکی بەر دەرگای قه سریگەر به سەر دا کا گه دا

هەر نه فه س نفرەت له تاجي قه یسەر و دارا ئەکا

(ناریا) وەسفي جەلالي حه زرەتي خه یرولبه شەر

کەی هه تا مه حشەر به سەد دەفتەر به شەر ئینشا ئەکا

(ناری)

* * * *

ئه چمه سەر کێویکي به رز پڕ به دل هاوار ئه کەم

گشت هه موو نووستوانی شه و، من له خه و بیدارئه کەم

(ئه کرەم)

اشعار زیر فقط قافیه دارند و فاقد ردیف می‌باشند.

١- ڕۆڵه گیان مه گرین مه لین بۆکوی چوو

بوچی وەها زوو له ده سمان دەر چوو

کاروانسه رایه و هەر که سێ ڕوژێ

ئەوەی که هات، هات، ئەوەی که چوو، چوو!؟

(ئه کرەم)

* * * *

٢- من که حەیرانم له دەستی چه رخي چه پگەردي زەمان

هەر به کامي بی هونەر چەرخا و نەفام و هیچ نه زان

وەرگه ڕی سه یری قه فه س که و شین و ڕۆی بولبول له وێ

شه مشه مه کویرەیش به مەیلی خوی دەچیته ئاسمان

(ئه کرەم)

* * * *

۳- دەک فەلەک بمريِ و نه مینيِ بە زمیِ ئیمەت تێک شه وان

نەک بە تە نیائاهيِ ڕۆژم دەت گرێ نالەی شه وان

(ئه کرەم)

* * * *

۴- توهه ته تێغيِ دەبان و من هه مه تێغيِ زبان

فه رقيِ ئەم دووتێغه هەروەک ئاسمان و ڕێسمان

(شێخ رە زا)

* * * *

۵- بەم حالەئه گەردە فعەیە ترَبچمه وەکەر کووک

مه علومه بە مەرديِ نه رواوه لە سەرم تووک

(شێخ رە زا)

* * * *

۶- ئەی سەقز هجران گرانه چی بلیم، چارەم چیه

تا نه زان ماقولیِ توبی مه یليِ ئه و شارەم نیه

(ئه کرەم)

* * * *

هجای قافیه در زبان کوردی (شعر)

واژهٔ قافیه از هر چند هجا تشکیل شده باشد. آخرین هجای آن را

هجای قافیه می‌نامند.

در مثال ردیف یک واژه‌های قافیه عبارتند از: چوو (فعل ساده) = $C\bar{V}$ که چون واژهٔ قافیه یک هجایی است خود هجای قافیه می‌باشد در مصراع دوم ده رچوو (فعل پیشوندی) = $CVC + C\bar{V}$ که هجای دوم ($C\bar{V}$) هجای قافیه می‌باشد.

در مصراع چهارم چوو (فعل ساده) = $C\bar{V}$ که چون واژه قافیه یک هجایی است پس خود واژه هجای قافیه نیز می‌باشد

مثال (۲). واژه‌های قافیه عبارتند از: زه‌مان (اسم معنی) که دوهجایی می‌باشد و هجای دوم یا آخر مان = $C\bar{V}C$ هجای قافیه می‌باشد. در مصراع دوم. هیچ نه زان (صفت مرکب) واژهٔ قافیه می‌باشد که سه هجایی است.

Hič̄ / Na / Zān = $C\bar{V}C$ / CV / $C\bar{V}C$

که (زان = $C\bar{V}C$) هجای آخر یا هجای قافیه می‌باشد.

در مصراع چهارم، ئاسمان (اسم) واژهٔ قافیه و سه هجایی می‌باشد.

?ā / Se / Mān = $C\bar{V}$ / CV / $C\bar{V}C$

که هجای آخر (مان) = $C\bar{V}C$ و هجای قافیه می‌باشد.

مثال (۳). واژهٔ قافیه در مصراع اول، تیک شه وان (فعل) سه هجایی می‌باشد.

T!k / Ša / wān = $C\bar{V}C$ / CV / $C\bar{V}C$

که هجای (وان) آخرین هجا یا هجای قافیه می‌باشد،

Wān = $C\bar{V}C$

در مصراع دوم واژهٔ قافیه شه وان (اسم) و دو هجایی می‌باشد.

$Sa / W\bar{a}n = Cv / C\bar{V}C$

که‌هجای دوم یا آخر (وان = $C\bar{V}C$) هجای قافیه می‌باشد.

هدف از بیان مطالب فوق این است که واکه هجای قافیه در یک قالب شعری باید همسان باشد، در غیر این صورت قافیه معیوب میباشد به استثنای واژه‌هایی که دارای الحاق می‌باشند که در ایـن صـورت واکـه می‌تواند متغیر و متفاوت باشد.

۱- حرف یا حروف اصلی در قافیه.

برای پیدا کردن حرف یا حروف اصلی در واژه‌های قافیه، هجای آخر یا هجای قافیه را در واژهٔ قافیه مشخص می‌نمائیم و الگوی معادل را در مقابل آن قرار می‌دهیم و اولین همخوان را از سمت چپ حذف می‌کنیم حرف یا حروف اصلی قافیه بدست می‌آید حرف یا حروف اصلی قافیه را در مثالهای صفحه (۱۶) و (۱۷) بدست می‌آوریم.

مثال ۱

$\longrightarrow$

حرف اصلی قافیه (وو) = $\bar{U} = \bar{V}$ پس $\not{C}\bar{V} = \not{C}\bar{U}$، مصراع اوّل

حرف اصلی قافیه

$\longrightarrow$

(وو) = $\bar{U} = \bar{V}$ **پس** $\not{C}\bar{V} = \not{C}\bar{U} \rightarrow CVC / C\bar{V} = / \check{C}\bar{U} /$ Dar، **مصراع دوم**

حرف اصلی قافیه (وو) = $\bar{U} = \bar{V}$ پس $C\bar{V} = \check{C}\bar{U}$، مصراع سوم

مثال ۲

حروف اصلی قافیه

→

(ان) = ān = v̄c پس ~~c~~v̄c = ~~m~~ān ، Za / mān = cv / cv̄c ،

مصراع اوّل

حروف اصلی قافیه

→

(ان) = ān = v̄c پس ~~c~~v̄c = ~~Z~~ān ، Hič / Na / zān = cv̄c / cv / cv̄c ،

مصراع دوم

حروف اصلی قافیه

→

(ان) = ān = v̄c پس ~~c~~v̄c = ~~M~~ān ، ?ā / Se / Mān = cv̄ / cv / cv̄c ،

مصراع سوم

مثال ۳

حروف اصلی قافیه

→

(ان) = ān = v̄c پس ~~c~~v̄c = ~~w~~ān ، T!k / Ša / wān = cv̄c / cv / cv̄c ،

مصراع اوّل

حروف اصلی قافیه

→

(ان) = an = v̄c پس ~~c~~v̄c = ~~w~~ān ، Ša / wān = cv / cv̄c ، مصراع دوم

مثال ۴

→

(ان) = ān = v̄c پس ~~c~~v̄c = ~~B~~ān ، Zə / Bān = cv / cv̄c ، مصراع اوّل

(ان) = ān = c̄v پس ~~c~~v̄c = ~~M~~ān R̆! / Sə / Mān = cv̄ / cv / cv̄c ،

مصراع دوم

مثال ۵

حروف اصلی قافیه →

مصراع اوّل kar / kūk = cvc / cv̄c ، k̸ūk = c̸v̄c پس v̄c = ūk = (وو‌ک)

حروف اصلی قافیه (وو‌ک) = v̄c = ūk ، c̸v̄c = k̸ūk مصراع دوم

مثال ۶

حرف اصلی قافیه →

مصراع اوّل Či / ya = cv̄ / cv ، y̸a = c̸v پس v = a = (ـه)

حرف اصلی قافیه →

مصراع دوم Ni / ya = cv̄ / cv ، y̸a = c̸v پس v = a = (ـه)

حرف یا حروف الحاق.

در تعیین حروف قافیه به شیوهٔ کلاسیک رسم بر این بود که آخرین حرف اصلی و مشترک بین واژه‌های قافیه را در یک قالب شعری (روی) می‌نامیدند و حرف یا حروفی را که بعد از حرف روی قرار میگرفتند به ترتیب، وصل و خروج مزید و نایر یا نایره می‌نامیدند ولی در بحث قافیه به شیوهٔ جدید یا فنی این حرف یا حروف را، الحاق می‌نامند که برای نشان دادن این حرف یا حروف از حرف (A) که علامت اختصاری (Annextion) میباشد استفاده نموده‌ام.

در شیوهٔ قدیم برای تعیین حروف مشترک قافیه تنها همخوان‌ها مدنظر قرار می‌گرفت و واکه‌های کوتاه و خفیف را به حساب نمی‌آوردند که امروزه از نظر فنی ـ علمی شیوه نادرست و غلط به حساب می‌آید.

شیوهٔ تعیین الحاق.

الف - در واژه‌هایی که بعد از حرف یا حروف اصلی پسوندهای،

(ان) و (ی) و (ـه) قرار گرفته باشند خود این پسوندها الحاق به حساب می‌آیند.

ب - در سایر موارد بعد از تعیین آخرین واک واژهٔ قافیه پسوند را حذف می‌کنیم و واژهٔ قافیه را که بدون پسوند میباشد تقطیع هجایی می‌نمائیم. هجای قافیه را مشخص می‌کنیم و الگوی معادل آن را مقابل هجای قافیه قرار می‌دهیم و به ترتیبی که قبلاً ذکر گردیده حرف یا حروف اصلی را مشخص می‌نمائیم، سپس پسوند را همراه با واژهٔ قافیه تقطیع هجایی می‌کنیم تا هجای الحاق مشخص گردد بعد از پیدا نمودن هجای الحاق الگوی معادل آن را در مقابل آن قرار می‌دهیم و با حذف اولین صامت از سمتِ چپ حرف یا حروف الحاق را بدست می‌آوریم.

به مثالهای زیر توجه فرمایید.

١- به شه ستی زولف و ڕوی ماهیِ وه کووماهیِ گرفتارِم
گه هێ بِڵ گەستەی مارِم گه هێ جانخه ستەی نارِم

(حاجی قادر کویی)

٢- نەسیمیِ بادیِ نه و روزیِ شه میمی عەبهەری هینا
به ریدیِ عاشقان دیسان پەیامی دولبەریِ هینا

(وەفایی)

٣- گوله ندام ئەی تەنافیِ گەردەنم زولفی په ریشانِت
عیلاجێ، چارەییِ، روحمی، ئەماندە ستم به دامانِت

(وەفایی)

۴- ئەی دولبەري قەدعەر عەری سەر داري هەمووشوٚخ

مەحبوبی هەموو عالەم ونازداري هەمووشوٚخ

(قانع)

مثال ۲

(عەبهەری) و (دولبەری) واژۀ قافیه هستند با حروف مشترک (اصلی والحاق)

واژۀ قافیه بدون الحاق

عەبهە ر / = ی ـ عە بهەِری

دولبەِ ر = ی ـ دو لبەِری

عە بهەر = ?ab / Har

دولبەر = Dol / Bar

~~H~~ar , ~~B~~ar = ~~c~~vc → ar = ar = VC هجای قافیه

Vc = ar = (ئەر) حروف اصلی قافیه

واژۀ قافیه با الحاق

عەبهەری = ?ab / Ha / Ri

دولبەری = Dol / Ba / Ri

هجای الحاق در تمامی یک قالب شعری همسان می‌باشد، پس می‌توان یکی از آن را در مقابل الگوی معادل خود قرار دهیم

هجای الحاق = Ri

~~R~~i = ~~C~~$\bar{V}$

A = $\bar{V}$ = i = (ي) الحاق

A = (ي) الحاق

مثال ۳

(پەریشانِت) و (دامانِت) واژهٔ قافیه باحروف مشترک

واژهٔ قافیه بدون الحاق

په رێشان = ت - په رێشانِت

دامان = ت - دامانِت

په رێشان = Pa / Rị / šān

دامان = Dā / Mān

هجای قافیه = Šān , Mān = cvc

حروف اصلی قافیه (ان) = $\bar{v}c$ = ān

په رێشانِت = Pa / Rị / šā / Nət

دامانِت = Da / ma / Nət

هجای الحاق = Nət = cvc

حروف الحاق (ـِـت) = vc = at

A = (ـِـت)

مثال ۴

واژهٔ قافیه، سه رداری، نازداری

الف ـ طبق قاعدهٔ (یک)

حروف اصلی قافیه (ار) = $\bar{v}c$ = ār

حروف الحاق (ي) = A = i

ب - طبق قاعده (دو)

واژهٔ قافیه بدون الحاق

سه‌ردار = یِ – سه‌رداریِ
نازدار = یِ – نازداریِ
سه‌ردار = Sar / Dār
نازدار = Nāz / Dār
هجای قافیه = Dār = cvc
حروف اصلی قافیه (ار) = vc = ār
سه رداری = Sar / Dā / Ri
نازداری = Nāz / Da / Ri
هجای الحاق = Ri = cv
v = i = (یِ)
A = الحاق (یِ)

مثال ۱

واژهٔ قافیه، گرفتارم، نارم

گرفتار = م – گرفتارم
نار = م – نارم
گرفتار = Gə / Rəf / Tār
نار = Nār
هجای قافیه = Nār = cvc
حروف اصلی قافیه (ار) = vc = ār
گرفتارم = Gə / Rəf / Tā / Rəm
نارم = Nā / Rəm

هجای الحاق = Rəm = cvc

vc = əm = (ـــَ م)

حروف الحاق (ـــَ م) = A

واژۀ قافیه بدونِ الحاق.

با بررسی چند غزل از شاعران مشهور کرد به این نتیجه می‌رسیم که اکثر واژه‌های قافیه از نوع کلمات زیر می‌باشند.

اسم، صفت، مصدر، فعل (بن ماضی و بن مضارع)، ضمیر و پیشوند.

برای مثال اولین غزل دیوان وەفایی را که در بحر رمل مثمن محذوف سروده شده انتخاب می‌کنیم، غزل مرّدف و مقفّیٰ می‌باشد بابیت مطلع:

گەردشیِ چاوتِ قەراریِ عاشقیِ مسکین دەبا
ساحیری چاوبە ستە ئاری دڵ دە کیشێ دین دە با

در بیت مطلع واژه به ترتیب صفت (مسکین) و اسم (این) میباشد و از بیت دوم واژۀ قافیه در مصراع‌های زوج به ترتیب عبارت از: پەروین (اسم)، نە سرین (اسم)، ناڵین (مصدر)، دین (اسم)، خوێنین (صفت)، سیمین (صفت) و ئە سرین (اسم).

و در غزل دیگری از وەفایی که در بحر هزجِ مثمنِ اخربِ مکنوفِ محذوف (مفعول مفاعیلُ مفاعیلِ فُعولن) سروده با بیت مطلع:

له و شاره خه ده نگی سه نه مێکم له جگەردا

شۆخێکه غەمیِ ئاینیه داریِ به قه مەر دا

تمامی واژەهای قافیه (اسم) می‌باشد که به ترتیب عبارت است از: جگەر (اسم)، قەمەر (اسم)، بەر (اسم) شه کەر (اسم) جگەر (اسم)، که مەر (اسم)، جگەر (اسم)، سەحەر (اسم) و سەر (اسم)

حرف یا حروف الحاق ـ

ضمیرهای متصل ـ پسوندها ـ (ه) غیر ملفوظ که در فارسی کسره میباشد ولی در کوردی بصورت فتحه میباشد. شناسه و (ی) در آخر بعضی از کلمات

تمرین:

در ابیات زیر، ردیف، واژهٔ قافیه، حرف یا حروف اصلی و الحاق را مشخص کنید.

۱- ئەلائەی نەفسیِ بووم ئاساهه تا کەی حرص و ویرانه

له گەڵ ئەم عشقبازانه بڕوئازانه بازانه:

(نالیِ)

۲- ساقیِ له پەرده ده رهات جامی شه رابیِ هینا

دل خیره ماله حیرەت مه ئافتابی هینا

(سالم)

٣- له به ر ته عميرى ئه‌م ويرانه جنّت ملكى ئاده‌م بوو

حه‌قيقه‌ت پادشاهيِ كردوه ليكن مده‌تيِ كه‌م بوو

(سالم)

٤- شه‌وه‌ن خه لۆوه‌ته‌ن ماڵ بێئه‌غياره‌ن

عاله‌م گشت خه فته‌ن، دوس خه‌وه‌ر داره‌ن

(مه وله وى)

٥- ره‌حمه‌ت وه ڕوى خاك ره ستگاران دا

پياله دا وه ده‌م ئينتزاران دا

(مه وله وى)

٦- نه ڕۆژ ڕاحه‌تم نه ڕۆژ دلشادم

شه‌و، زولف و، ڕو، ڕوت مه و زاوه يادم

(مه وله وى)

٧- باڵه خانه‌ى چه‌م دِڵ ديوانيِ تون

با نه ناو وه خاك ئاستانيِ تون

(مه وله رى)

٨- ده خيلتم ئه‌ى مانگ قيبله‌ى دڵداران

ده رمانيِ ده رديِ دِڵيِ بيماران

(بێ كه س)

٩- حه‌يفه ن تو ميراو سه‌رجوى باده‌بيِ

وه هه‌ر كه س وه قه د كه فاف داده بيِ

(مه وله وى)

١٠- عاشقێ بێ دڵ دە ناڵی مە یلی گریانی هەیە
بێ شکە هەورە تریشقە تاوی بارانیِ هەیە

(ناڵیِ)

١١- چێشتم ئەمرو ژەهری‌مارو ڕۆحی شیرینم نەهات
زەخمی کونەمهاتەژان و مەرهەمی برینم نەهات

(کوردی)

١٢- سە رکە جۆشیکێ نە بێ مِن زۆ کەتاڵم بۆچیە
دڵ کە هۆشێکی نە بێشیشەی بە تالم بوچیە

(مە حوی)

١٣- موقە ددەرگە رنە بی‌ئاخر لە میهری مەهرۆ خانم چیِ
لە ناڵە ناڵیِ نیوە شە و، لە ئاهیِ بە ر بە یانم چیِ؟

(طاهر بەگ)

١٤- یا مۆحەممەد لێو بە بارو دِڵ بە بریانم مە کە
ئەی رەئیسی هەردو دونیا دیدە گریانم مە کە

(قانع)

١٥- شاریِ شاران مەکتەبی زانین وزانا ئەی عەبەس
خاکی زێرت کە وتە بەر پێی خاوەنی پارە وتەرەس

(ئە کرەم)

مثال:

فەلەک وەک من ئەسیرو موبتەلا بی
وە کوومن تووشی گیژاوی بەلا بی

(ئەکرەم)

ردیف: بي (فعل) = $c\bar{v}$

واژۀ قافیه: موبته لا (صفت) و به لا (اسم)

موبتەلا = Mob / Ta / Lā = cvc / cv / $c\bar{v}$

بە لا = Ba / Lā = cv / $c\bar{v}$

هجای قافیه ~~L~~ā = ~~c~~$\bar{v}$

حرف اصلی قافیه (۱) = ā = $\bar{v}$

واژه قافیه فاقد الحاق میباشد ۰ = A

تذکر: ابیات فوق بعضی مقّفیٰ و مُرَدّف و بعضی فقط مُقفّیٰ میباشد.

بخش عروض

با شناختی که از الگوهای هجا در زبان کوردی داریم میدانیم که هجا در عروض کوردی (کوتاه، بلند، کشیده) باید معادل یکی از الگوهای زیر باشد.

۱- cv = به (Ba)، تو (to) نه (Na)، ئه (?a) و .... = واکهٔ کوتاه (u)

۲- cvc = گوڵ (Goľ)، دڵ (Daľ)، سەر (sar)، مِن (Mən) و .... = (-)

۳- cvcc = مه ست (Mast)، ده رد (Dard)، مِشت (Məšt)، گِشت (Gəšt) و .... = (u -)

۴- cv̄ = موو (Mū)، ڕێ (R!)، گۆ (Gu)، سۆ (Su) و .... = (-)

۵- cv̄c = سوور (Sūr)، ژێر (Ž!r) سۆڵ (Suľ) شێر (Š!r) و .... (u -)

۶- cv̄cc - چاشت (čāšt) مێشک (m!šk) دۆست (Dust)، چێشت (č!št) و .... (u -)

علامت اختصاری

۱- (c) مخفف صامت (همخوان)

۲- (v) مخفف مصوت کوتاه و خفیف (واکهٔ کوتاه و خفیف)

۳- (v̄) مخفف مصوت بلند (واکهٔ بلند)

۴- واکه‌های کوتاه: a، o، e و واکه‌ی خفیف: ə

۵- واکه‌های بلند: ā، ū، u، i، !

هجاهای معادل الگو

الف ـ هجای کوتاه از یک همخوان + یک واکهٔ کوتاه یا خفیف = cv

ب ـ هجای بلند از یک همخوان + یک واکهٔ بلند = $c\bar{v}$

پ ـ هجای بلند از یک همخوان + یک واکهٔ کوتاه + یک همخوان = cvc

ت ـ هجای کشیده از یک همخوان + یک واکهٔ کوتاه + دو همخوان = cvcc

ث ـ هجای کشیده از یک همخوان + یک واکهٔ بلند + یک همخوان = $c\bar{v}c$

ج ـ هجای کشیده از یک همخوان + یک واکهٔ بلند + دو همخوان = $c\bar{v}cc$

هجا (بخش)

مجموعه‌ای از واک‌ها (همخوان و واکه) که در یک دم یا بازدم از دهان خارج می‌شود. هجا (بخش) نامند به عبارت دیگر تک واژه‌های مستقل یا وابسته‌ای هستند که‌در یک دم یا بازدم از دهان خارج می‌شود اولین واک هجا همخوان (c) و دومین واک هجا واکه (V یا $\bar{V}$) می‌باشد.

تقطیع فنی در زبان کوردی

طبق تحقیقات تنی چند از استادان زبانشناس هجاهایی که معادل $c\bar{v}c$ هستند اگر آخرین واک آنها همخوانی ساکن باشد و واکِ آغازین هجای بعد نباشد از امتداد واکهٔ بلند ($\bar{V}$) کاسته می‌شود و تبدیل به واکهٔ کوتاه (V) میگردد

مثال:

گروه الف

cv̄ = Pā = در هجاهای، پا

cv̄ = Sā = سا

cv̄ = kā = کا

cv̄ = Su = سوٌ

cv̄ = Š! = شیٌ

امتداد واکهٔ بلند: ā , u , ! به خوبی قابل تشخیص می‌باشد و در مثالهای زیر:

گروه ب

cv̄c =Pār = پار

cv̄c =Sāx = ساخ

cv̄c = kāľ = کالّ ā , ū , u , i , ! (= V)

cv̄c =Suľ = سولّ

cv̄c = Š!r = شیٌر

تشخیص می‌دهیم که امتداد واکه در این گروه (ب) از امتداد واکه در گروه الف کمتر است و در واقع هجاهای گروه ب را باید معادل cvc قرار دهیم نه cv̄c و هجای بلند (cvc) را جایگزین هجای

کشیدهٔ (cv̄cc ، cv̄c) بنمائیم در عروض فنی فارسی عملاً" از این تغیر و جا به جایی که کاریست منطقی و علمی استفاده نمی‌شود و تنها درهجایی که همخوان پایائی آن (ن) ساکن باشد با حذف (ن) هجای کشیده را تبدیل به بلند می‌نمایند و توضیحی هم برای این حذف ندارند.

و این استثنا قایل شدن برای همخوان (ن) سئوال برانگیز است.

اما شاعران و استادان عروض در زبان کوردی از قرن‌ها پیش، بدون آشنایی با موازین عروض فنی که بیشتر از دو دهه از عمران نمیگذرد کاستن از امتداد واکه‌های بلند (V̄) در هجاهای معادل cv̄c و cv̄cc را بشرط ساکن و لایتجزیٰ بودنِ همخوان پایانی هجا قبول کرده و در تقطیع به شیوه‌ای که امروزه استادان، عروض مغرب زمین باکمک ابزار اوانگار و علم فونتیک قادر به کشف آن شده‌اند عمل می‌کرده‌اند به تقطیع مصراع زیر توجه فرمائید.

ساخ له دونیادا نه‌ماوه گه‌ر قیسه‌ی ساخِت ده‌وی ....

اگر بخواهیم طبق قواعد عروض فارسی عمل کنیم وزن درست مصراع بدست نمی‌آید.

ساخ له دون یا دا نه ما وه گه‌ر قِ ـه‌ی،سا خِت ده وی

/- u - - /- u - u /- u - - /- u u -

مفتعلن مستفعلن مفاعِلُن مستفعلن

در عروض چنین وزنی را نداریم

اما اگر همین مصراع را با توجه به قاعده بیان شده در مورد هجاهایی که معادل cv̄c و cv̄cc می‌باشد تقطیع کنیم وزن درست مصراع بدست می‌آید و نیروی شنیدار نیز هارمونی بین میزان و موزون را به اثبات می‌رساند.

ساخ له دون یا دا نه ما وه گەر قسەی ساخت ده وی

– u – /– – u – /– – u – /– – u –

فاعلاتن و فاعلاتن، فاعلاتن فاعلن. بحر رمل مثمن محذوف.

روش تقطیع

چون در عروض هجای بلند (–) از ۳ واک و هجای کوتاه از یک یا دو واک تشکیل می‌گردد. پس برای تشخیص هجای درست و علامت گذاری درست باید هجاهای شعر را با الفبای کوردی یا لاتین بنویسیم و با توجه به واک‌های تشکیل دهندهٔ هجا علامت درست آن را مشخص سازیم. و چون در میان شاخه‌های منشعب از زبان هند و اروپایی تنها دو شاخه وجود دارد که از نظر گفتار و نوشتار همسان و همانند هستند که آن دو هم عبارتند از کوردی و آلمانی ـ لذا برای نشان دادن واک از الفبای کوردی و لاتین استفاده می‌کنیم.

اما قبل از پرداختن به این مهم لازم میدانم نکات زیر را بیان کنم.

الف ـ در بخش قافیه برای تعیین هجای قافیه و حرف یا حروف وابسته به آن. و همچنین برای تعیین هجای الحاق و حرف یا حروف الحاق واکه‌های بلند را به همان صورتی که در بخش قافیه توضیح داده شد مورد استفاده قرار می‌دهیم یعنی بصورت:

(! , u , i , ū̄ , ā)

اما در بخش عروض چون می‌دانیم که هر واکهٔ بلند (V̄) دو برابر

واکهٔ کوتاه (V) میباشد پس برای تعیین عدد درست واک‌ها در هجا به جای هر واکهٔ بلند ($\bar{V}$) دو واکه کوتاه (V) قرار میدهیم به صورت زیر.

$$\bar{a} = a + a$$

$$\bar{U} = o + o$$

$$i = e + e$$

$$U = o + o$$

$$! = e + e$$

مثال: 

پا = Pā = paa (۳ واک) = (–)

موو = Mū = Moo (۳ واک) = (–)

بی = Bi = Bee (۳ واک) = (–)

رٚو = Řu = Řoo (۳ واک) = (–)

رٚی = R! = Ree (۳ واک) = (–)

استاد روانشاد. دکتر محمد تقی بهار (ملک‌الشعرا) می‌فرمایند، بعضی از مخرج‌ها و مصوت‌هاکه در فارسی از آن به عنوان مجهول نام می‌برند در زبان کوردی محفوظ و مستعمل می‌باشد (سبک شناسی ج اول)

استاد برای آوردن مثال و نمونه فقط از مصوت (ۆ) آنهم بدون علامت (۷) نام می‌برند در حالیکه آشنایان به زبان و ادبیات کوردی به خوبی میدانند مصوت‌های (ۆ) ، (ێ) و مصوت خفیف (ه = ə) و بسیاری از مصوت‌های مرکب (دیفتانگ) که در ادبیات فارسی مجهول

خوانده می‌شوند در ادبیات کوردی محفوظ و مستعمل می‌باشد اما متأسفانه نه تنها استادان زبان فارسی که خود فارسی یا آذری زبان هستند استادان کرد زبانِ ادبیات فارسی نیز کمترین توجهی به زبان و ادبیات غنی کوردی نمیکنند و همین عدم توجه و بی‌مهری باعث شده است که در عروض فارسی هم با اشکالاتی روبرو میشوند و به هنگام تنگ دیدن قافیه و برای رسیدن به وزن مطلوب دست بدامان اختیارات شاعری می‌زنند و با پینه وصله کردن‌های بیجا و بی‌مورد و تغییر و تبدیل‌های فراوان و غیر منطقی وزن مورد نظر را بدست می‌آورند هرچند این بی‌توجهی و بی‌مهری ریشه در قرون دارد تا جایی که ابرمرد تاریخ حماسی جهان فردوسی پاکزاد در ۶۰/۰۰۰ بیت اثر جاودانه خود با بیمهری و کم لطفی فرجام جوانمردی خوالیگران را که سازندگان کاخ سترگ مبارزه، و عدالتخواهی هستند از نظر دور میدارد تا چه رسد به بعضی دیگر از تاریخ نویسان که خود از سلاله رها یافتگان از مطبخ ضحاک می‌باشند. اما خانه خود را پرورشگاه جنیان و شیاطین معرفی می‌کنند و تاریخ علمی را فدای تاریخ وصفی می‌کنند. اما ما از بزرگان امروز چشم یاری داریم و توقع نداریم که در اینه دیگران بدنبال زیبایی‌های خود بگردند و ملاک و معیار را زبان و ادبیاتی قرار بدهند که با زبان و ادبیات ملی ما ، هم ریشه هم نیست و حتی دوری از ادبیات ملی خود را تا آنجا ادامه می‌دهند که الفبای زبان خود را زیر سؤال می‌برند چون میدانیم که تعدادی از حروف الفبای فارسی از زبان دیگری وارد زبان و ادبیات ما شده پس جزو حروف اصلی الفبای زبان نمی‌باشند اگر ما در بخش عروض و قافیه مبنا را بر الفبای کوردی یا لاتین قرار دهیم نه تنها بیراهه نرفته‌ایم بلکه کاری

منطقی و درست انجام داده‌ایم پس آوردن دو واژه حضیض و لذیذ بعنوان قافیه به عقیده بنده هیچ ایراد و اشکالی ندارد زیرا در الفبای کوردی در زمان حاضر هم بجای حروف (ص.ث) از (س) و به جای (ض – ذ – ظ) از حرف (ز) استفاده می‌کنند و اگر نویسنده یا شاعر کوردی در آثار خود بجای کلمه صد (عدد) که با (ص) شروع می‌شود کلمه (سد = سه د) را بنویسد خواننده کورد زبان را دچار تحیّر و تعجب نمیکند و در لاتین هم به همین صورت.

در فارسی حضیض ، لذیذ

در لاتین Ha/ziz ،La /ziz

در کوردی حه زیز و له زیز

پس هجای قافیه در هر واژه: ziz است و حروف قافیه: یز.

اما آوردن این دو واژه در اشعار عربی خالی از اشکال نمی‌باشد و چنین قافیه‌ای در عربی معیوب به حساب می‌آید پس اگر استادان عزیز با دیدی محبت‌آمیز فرهنگ و ادبیات کوردی و اصول فنی، علمی حاکم بر این زبان را مورد توجه قرار بدهند میتوانند بسیاری از دخل و تصرف‌های نابجا در زمینه‌های مختلف ادبیات فارسی را شناسایی و حذف نمایند تا پیکر زیبا و بلورین ادبیات ملّی کشورمان که مایه فخر و مباهات هر ایرانی آزاده است بهتر از این به جهانیان معرفی شود.

اگر تلفظ درست واک‌هایی راکه در فارسی از آنها بعنوان مجهول یاد می‌کنند در زبان کوردی یاد بگیریم میتوانیم بسیاری از کجروی‌ها راکه در زیر لوای اختیارات بر شعر زیبای فارسی تحمیل می‌کنیم اصلاح نموده و وزن دقیق شعر را به خواننده ارائه دهیم. برای مثال به تقطیع بیتی از باباطاهر توجه کنید که یک بار طبق شیوه و روش فارسی و بار

دیگر به شیوه کوردی تقطیع می‌کنیم و دامنه اختیارات را در هر دو مورد مشخص می‌نمائیم.

دلی دارم چو مرغ پا شکسته   چو کشتی بر لب دریا نشسته

تذکر: در الفبای عروض کوردی برای نشان دادن (ی) کشیده‌از (ــٍـ) در زیر حرف استفاده می‌کنیم (یٍ = i) و برای نشان دادن (ی) کشیدهٔ دوم از علامت (ᵛ) در روی حرف استفاده می‌کنیم. (یٚ =!) و برای نشان دادن مصوت کوتاه یا کسره از همان علامت کسره (ـِ) استفاده می‌نمایم (بِ، دِ = e) و بـرای نـشان دادن مصـوت خفیف از (ˆ) استفاده می‌کنیم (ə = ˆ)

تقطیع به شیوهٔ فارسی

دلی دارم چو مرغ پا شکسته   چو کشتی بر لب دریا نشسته

۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
تِ	کس	شِ	پا	غِ	مُر	چُ	رم	دا	لی	دِ
Te	kas	Še	Paa	Ġe	Mor	čo	Ram	Dar	Lee	De
cv	cvc	cv	cv̄	cv	cvc	cv	cvc	cv̄	cv̄	cv
~~ū~~	-	u	-	~~ū~~	-	u	-	-	-	u
تِ	شس	ن	یا	در	ب	ل	بر	تی	کش	چُ
Te	šas	Ne	yaa	dar	Be	La	Bar	Tee	kaš	čo
cv	cvc	cv	cv̄	cvc	cv	cv	cvc	cv̄	cvc	cv
~~ū~~	-	u	-	-	~~ū~~	u	-	-	-	u

مفاعیلُن، مفاعیلُن، فعولن، بحر هزج مسدس محذوف

اختیارات ـ

الف ـمصراع اول هجای هفتم تبدیل هجای کوتاه (غِ = u)به هجای بلند (غی = –) (اختیار زبانی – در حالیکه غي درست نیست و (غیٚ) می‌باشد.

ب – مصراع اول هجای یازدهم تبدیل هجای کوتاه (تِ = u) به هجای بلند (تی = –) اختیار وزنی

پ – مصراع دوم هجای ششم تبدیل هجای کوتاه (بِ = u) به هجای بلند (بی = –) اختیار زبانی

ت – مصراع دوم هجای یازدهم تبدیل هجای کوتاه (تِ = u) به هجای بلند (تی = –) (اختیارات وزنی)

تذکر:

هجای پایانی مصراع یا نیم مصراع را در هر دو روش (کوردی، فارسی) اگر کوتاه یا کشیده باشد به هجای بلند (ــ) تبدیل می‌کنیم.

تقطیع به شیوهٔ کوردی.

دلی دارم چو مرغ پا شکسته چو کشتی بر لب دریا نشسته

تِ	کەس	شِ	پا	غیٚ	مور	چۆ	روم	دا	لیِ	دِ
Te	kas	Še	Paa	Ġee	Mor	čo	Ram	Daa	Lee	De
cv	cvc	cv	$\overline{cv}$	$\overline{cv}$	cvc	cv	cvc	$\overline{cv}$	$\overline{cv}$	cv
~~u~~	-	u	-	-	-	u	-	-	-	u

چۆ کەش تی بەر لە بێ دەر یا نِ شەس تِ

Te šas Ne yaa dar Bee La Bar Tee kaš čo

cv cvc cv $c\bar{v}$ cvc $c\bar{v}$ cv cvc $c\bar{v}$ cvc cv

ﻼ - u - - - u - - - u

مفاعیلُن / مفاعیلُن / فعولن = بحر هزج مسدس محذوف

اختیارات:

طبق قاعدهٔ کلی که بیان شده هجای پایانی مصراع (کوتاه، کشیده) بلند محسوب می‌گردد. و از اختیارات دیگری استفاده نشده است.

تذکر:

به واکهٔ کوتاه در حرف اضافه (بِ = به) در زبان فارسی توجه فرمائید این واژه معادل (cv) می‌باشد و واکهٔ آن کوتاه (v) است یعنی: (ـِ = e = v) باکمی دقت در شنیدار متوجه می‌شویم که امتداد این واکهٔ کوتاه با امتداد واکه (یٚ) در هجای هفتم مصراع اوّل (غیٚ) و باامتداد واکهٔ (یٚ) درهجای ششم مصراع دوم (بیٚ) تفاوتی قابل تشخیص دارد اما چون واکهٔ بلند (یٚ = $\bar{V}$) در زبان فارسی به فراموشی سپرده شده به هنگام تقطیع این واکه را معادل واکهٔ کوتاه در حرف اضافه (به = بِ، Be = cv) به حساب می‌آورند و در نتیجه برای به دست آوردن وزن شعر در عروض فارسی از تبدیل واکهٔ کوتاه به بلند (اختیار زبانی) استفاده می‌کنند در حالیکه واکهٔ (یٚ) در اصل واکهٔ بلند می‌باشد و در عروض کوردی این واکهٔ درست تلفظ میشود و نیازی به تغییر و تبدیل ندارد.

دو بیت مطلع از دو غزلِ دو شاعر (حافظ، وه فایی) فارس و کورد را تقطیع می‌کنیم تا دامنه اختیارات را در آنها مورد مداقه قرار دهیم.
حافظ.

ای فروغ ماه حُسن از روی رخشان شما
آبروی خوبی از چاه زنخدان شما

۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵

ای فِ رو غ ما هِ حُس نز رو ی رخ شا نِ ش ما

Man Sŏ Nee sǎa Rox Ye Roo Naz Hos He Maa Gee Roo Fe ?ay

- u ū - - u - - - u - ū - u -

آ ب رو ی خو بی از چا هِ ز نخ دا نِ ش ما

maa šo Nee daa Nax ze Hee čaa ?az Bee xoo Ye Rŏo Be ?aa

- u ū - - u ū - - u - ū - u -

فاعلاتن / فاعلاتن / فاعلاتن / فاعِلُن = بحر رمل مثمن محذوف

اختیارات

۱- در مصراع اول، هجای چهارم (غ)،تبدیل مصوت کوتاه به بلندِ (غیْ)

۲- در هجای هشتم حذف همزه (حُسن / از = حُس / نز - (Hosn/?az = Hos/Naz

۳- در هجای سیزدهم تبدیل مصوت کوتاه به بلندِ (نِ ← نیْ)

۴- درمصراع دوم، هجای ششم تبدیل مصوت بلند به کوتاه (بی ← بِ)

۵- در هجای نهم تبدیل مصوت کوتاه به بلند) هِ ← هێ)
۶- در هجای سیزدهم تبدیل مصوت کوتاه به بلند (نِ ← نێ).

تذکر:

تمامی اختیارات فوق ساخته و پرداخته عروضیان فارس زبان می‌باشد که هیچگاه حاضر به کنکاش و جستجو در زبان و ادبیات کوردی نبوده‌اند و در نتیجه از شناخت صحیح همخوان و واکه‌های زبان مادری خود به دور بوده و با استفادهٔ نابجا از اختیارات (زبانی، وزنی) شاهکار بی‌بدیل و کلاسیک زبان خود را به فراموشی سپرده‌اند.

جلوه‌ها کردم. و نشناخت مرا اهل دلی
منم آن سوسن وحشی که به ویرانه دمید؟!!

همین بیت را با الفبای عروض کوردی تقطیع می‌کنم تا عظمت کارو در حقیقت شاهکار شاعر گرانمایه (حافظ) بر همه کس عیان شود

۱۵ ۱۴ ۱۳ ۱۲ ۱۱ ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱

ئەی ڤ روو غێ ما هِ حوس نەز روو ی رەخ شا نێ شو ما

Maa Šo Nee Šaa Rax Ye Roo Naz Hos He Maa Ğee Roo Fe ?ay

- u - - - u - - - u - - - u -

ئا بِ روو ی خوو بی ئەز چا هێ زە نەخ دا نێ شو ما

Maa Šo Nee Daa Nax zə Hee čaa ?az Bef Xoo Yee Roo Be ?aa

- u - / - - u - / - - u - / - - u -

اختیارات:

تنها در مصراع دوم هجای ششم از اختیار زبانی استفاده گردید و هجای بلند (Bee) به (Be) تبدیل گردیده است. در بیت زیر که هم وزن با بیت فوق می‌باشد اختیارات شاعری را مورد دقت قرار می‌دهیم.

وەفایی:

گەردشی چاوِت قەراریِ عاشیقی مِسکین دەبا

ساحریِ چاوە بە ستهٔ ئاری دل دە کیشی دین دەبا

با	ده	کین	مِس	قی	شِ	عا	ریِ	را	قه	وِت	چا	شیِ	دِ	گەر
Baa	Da	Ken	Məs	Gee	še	?aa	Ree	Raa	Ğa	wat	čaa	Šee	Də	Gar
-	u	-	-	-	u	-	-	-	u	-	-	-	u	-
با	ده	دین	شێ	کێ	ده	دڵ	ڕێ	ئا	ته	بەسِ	چاو	ری	حِ	سا
Baa	Da	Den	Šee	kee	Da	Dal	Ree	?aa	Ta	Bas	čaw	Ree	He	Saa
-	u	-	-	-	u	-	-	-	u	-	-	-	u	-

وزن: فاعلاتن / فاعلاتن / فاعلاتن / فاعِلُن : بحر رمل مثمن محذوف

اختیارات:

از هیچگونه اختیاری (زبانی وزنی) استفاده نشده است.

اختیارات:

از هیچگونه اختیاری (زبانی وزنی) استفاده نشده است.

تذکر:

استفاده نکردن از اختیاران در بیت وەفایی که هموزن با بیت خداوند غزل حافظ است دلیل بر رجحان و برتری وەفایی و یا هر شاعر دیگری بر لسان‌الغیب نیست بلکه به علت به فراموشی سپردن واکه‌هایی است که امروزه در زبان فارسی بعنوان واکه‌های مجهول از آن یاد می‌کنند د رحالیکه این واکه‌ها در زبان کوردی زنده و رایج می‌باشند. و خطا از قواعد عروض فنی فارسی است نه خدای نخواسته از حافظ

نه سیمی بادی نه و ڕۆزی شەمیمی عەبهەری هینا
بـه ریدی عاشقـان دیسان په یامی دو لبه ری هینا

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶
نه	سی	می	با	دي	نەو	ڕۆ	زي	شه	مي	مي	عەب	هه	ري	هێ	نا
N	See	Mee	Baa	Dee/	Now	Roo	Zee	Sa	Mee	Mee	?ab	Ha	Ree	Hee	Naa
u	-	-	-	u	-	-	-	u	-	-	-	u	-	-	-
به	ري	دي	عا	ش	قان	دي	سان	په	يا	مي	دوّل	به	ري	هێ	نا

Naa Hee Ree Ba Dol Mee Yaa Pa San Dee Ḡan Šə ?aa Dee Ree Ba

/- - - u /- - - u /- - - u /- - - u

اختیارات : مصراع اول هجای پنجم تبدیل هجای بلند به کوتاه

(De~~e~~ ⟶ De)

انواع وزن در شعر کوردی

۱- وزن عددی (په نجه‌ئی یا هجایی).

زوسانەن وەی رەنگ وەگەر دون یاوان
گیجیان لولِ گیج کلیلەای کاوان

(مه وله وی)

وان	یا	دون	گەر	وە	رەنگ	وەی	نەن	سا	زو
-	-	-	-	u	(u-)	-	-	-	-
وان	کا	لەی	لێ۷	ک	گیج	لِ	لوو	یان	گیج
-	-	-	-	u	-	u	-	-	-

هورمزگان ڕمان ئاتران کوژان
ویشان شاردە وەگە ورە گە ورەکان

(نوشته‌ای بر پوست آهو، در آغاز اسلام)

هور مز گان ڕ مان ئا تێ ران کوو ژان

- - - u - - u - - -

وی شان شار دە وە گەو رە گەو رە کان

- u - u - u u - - -

بە ئاسمانەوە ئەستێرەم دیوە

لە باغچەی بەهار گوڵم چنیوە

(گوران)

بە ئاس ما نە وە ئەس تێ رەم دی وە

u - - - - u u - (u-) u

لە باغ چەی بە هار گو ڵم چ نی وە

u - u - - (u-) u - (u-) u

شەوەن خەڵوەتەن ماڵبێئە غیارەن

ئاڵەم گشت خەفتەن دوس خەورەڕدارەن

(مەولەوی)

شە وەن خەڵ وە تەن ماڵ بێ ئەغ یا رەن

- - - - (u-) - u - - u

ئا ڵەم گشت خەف تەن دوس خە وەر دا رەن

- - - u - - - (u-) - -

وزن عددی (پەنجەای – هجایی)

الف - این نظم و ترتیب خاص با این قالب‌ها و مقیاس‌های معین و محدود و منظم که ما در شعر فارسی داریم در شعر ایرانی پیش از اسلام وجود نداشت بلکه در آنها شمارهٔ هجاها مناط اعتبار بود.

«گنج سخن. ج اول - ص ۱۵ (شعر در ایران) دکتر صفا»

ب - قرائن بسیار از اشعار بازماندهٔ پهلوی شمالی و جنوبی معلوم میدارد که همچنانکه گفته‌ایم در آنها علاوه بر تساوی و شماره هجاها در یک قطعه یا یک منظومه. تکیه هجاهای معین و آهنگ کلمات نیز مورد توجه بود و این همان حالت است که هنوز در اشعار ولایتی ایرانی خصوصاً قدیم‌ترین هیأتهای آنها ملاحظه می‌کنیم.

«گنج سخن. ج اول ـ مقدمه ص ۳۲ - دکتر صفا»

ج - قبول قواعد و اصطلاحات عروض عربی در شعر پارسی برای عروضیان همواره مشکلاتی ایجاد نموده و آنان را به قبول استثناهاو مسامحات و ارتکاب اشتباهات وادار کرده است.

«گنج سخن - ج اول - مقدمه - ص ۳۵ - دکتر صفا»

طبق نظر مستشرقین و تنی چند استادان ایرانی اشعار کلاسیک ایران، قبل از اسلام دارای وزن عددی یا هجایی و بقول کوردی دارای وزن په‌نجه‌ای بوده و تکیه نیز مورد توجه قرار داشته و با آوردن شاهد مثالهایی از زبان پهلوی (قطعاتی از ایاذگار زریران) وزن عددی یا هجایی در این اشعار به اثبات می‌رسد که هر کدام از مصراع‌ها شش هجایی می‌باشد.

pagarān (Ī) bagan	به کوه بغان
ātaxš framāy kartan	آتش فرمان کردن
U šahr u bardēspān	به شهر و بغدیسپان

تقطیع (۶ هجائی)

۱	۲	۳	۴	۵	۶	
pa	ga	rā	nī	ba	gān	= u / u / - / - / u / -
cv	cv	cv̄	cv̄	cv	cv̄c	
۱	۲	۳	۴	۵	۶	
a	taxš	far	māy	kar	tan	= / - / - / - / - / - / -
cv	cvcc	cvc	cv̄c	cvc	cvc	

بخش دیگری از همین منظومه

Spahpat Taxm zarēr	سپهبد تهم زریر
kārēčār tak kunēt	به کارزار اندر آید
čerōn ātur yazat	به گونهٔ ایزد آذر
ō naθestān oftet	که به نیستان افتد
u - š vāt ayār bovet	و باد با او یار بود

تقطیع (۶ هجایی)

۱	۲	۳	۴	۵	۶
Spab	pa	Ti	Taxm	za	Rēr
Kā	Rē	čār	Tak	ku	nēt

čē	uōn	ā	tur	ya	zat
ō	Na	∂es	t̄an	of	tet
(u-š)	vāt	a	yar	bo	vet

در بخش فوق از منظومه (اَیاذ کارززیران) از مقدمهٔ گنج سخن، ج اول انتخاب شد اما تقطیع آن را حقیراز روی حدس و گمان انجام داده‌ام چون متأسفانه در شهرستان بخصوص شهرهای کوچک مرزی، مرجعی برای تشخیص صحت و سقم وجود ندارد لذا از بزرگوارانی که در این رشته دستی دارند استدعا می‌کنم، با ارشاد و راهنمایی خود شیوهٔ درست کار را بیان فرمایند.

در بیت زیر نیز که ابن خرداد به آن را به بهرام گور نسبت داده است وزن عددی را به وضوح تشخیص می‌دهیم.

منم شیر شکنبه   و منم ببر تَلهَ

هر مصراع از بیت فوق دارای هفت هجا می‌باشد

مَ	نم	شی	ریٚ	شَ	کَن	بَ
u	–	–	–	u	–	–

با ظهور اسلام عروض عرب نیز نفوذ خود را در شعر ایرانی نشان داد و آثار شاعران کورد نیز از این تأثیر و نفوذ به دور نماند در این اواخروزن عددی بطور کلی از میان آثار شاعران پارسی زبان رخت بر بست و آثار اکثر شاعران پارسی گوی بر مبنای عروض عرب سروده شد و به‌ندرت شاعری پیدا می‌شود که آثار خود را بر مبنای وزن عددی

که در واقع باید آن را وزن اصیل ایرانی نام نهاد سروده باشد در این اواخر تنها در آثار منظوم لاهوتی وزن عددی را مشاهده می‌کنیم.

اما وزن عددی در زبان کوردی تسلط خود را تا زمان معاصر حفظ کرده است و اکثر شاعران کورد آثاری را در این وزن عرضه کرده‌اند مانند: مولوی، گوران، بی‌که س و ....

در وزن عدد دی دو مشخصه بارز را می‌توان مورد توجه قرار داد.

الف -در وزن عددی کیفیّت هجا مورد نظر نیست بلکه تعداد آن مورد توجه می‌باشد.

ب - هجای کشیده در وزن عددی وجود ندارد.

و دقیقاً در اشعار کوردی که در وزن عددی سروده شده قواعدی را در مورد واکهٔ بلند ($\bar{v}$) که در هجاهایی که معادل $c\bar{v}c$ و $c\bar{v}cc$ می‌باشند و امروزه از طرف زبانشناسان و علمای فونتیک پیشنهاد می‌شود از قرن‌ها پیش رعایت کرده‌اند یعنی در تمامی آثار منظوم شاعران کورد زبان هجاهایی را که معادل $c\bar{v}c$ و $c\bar{v}cc$ می‌باشند و از نظر تقطیع با این علامت (- u) نشان داده می‌شود ، برابر با: $c\bar{v}$ یا cvc می‌گیرند با علامت (-) که همان تبدیل هجای کشیده به بلند می‌باشد.

و جالب اینجاست که در هر دو وزن شعر کوردی (عددی، فنی) باید این قاعده را رعایت کرد.

اختلاف وزن عددی و فنی در شعر کوردی

تنها اختلاف در وزن عددی شعر کوردی که ریشه در قرون دارد و وزن فنی که حقیر با بضاعت ناچیز سعی در معرفی آن دارد در امتداد هجا می‌باشد. در وزن عددی تقارن امتداد هجا در دو مصراع مورد نظر

نیست یعنی یک هجای کوتاه میتواند در مقابل یک هجای بلند قرار بگیرد ولی در وزن فنی تقارن امتداد از اصول الزامی این وزن میباشد به دو مثال زیر توجه فرمائید.

الف ـ وزن عددی (په نجه یی)

به ئاسمانەوە ئەستێرەم دیوە
له باغچەی بەهار گوڵم چنیوە

وه	دي	رەم	تێ	ئەس	وه	نه	ما	ئاس	به
Wa	Dee	Ram	Tee	?as	wa	Na	Maa	?as	Ba
U	-	-	-	-	u	u	-	-	u
وه	ني	چ	ڵم	گو	هار	به	چەی	باغ	له
Wa	Nee	Ča	ˇLam	Go	Har	Ba	čay	Baġ	La
u	-	u	-	u	-	u	-	-	u

برای نشان دادن عدم رعایت امتداد هجا نشانه‌های تقطیع را می‌نویسم.

مصراع اول – u - - - - u u - - u = ۱۰ هجا
مصراع دوم – u - u - u - u - - u = ۱۰ هجا

ب ـ وزن فنّی.

نەفەس سەمتورە سینەم ساز و دڵ نەی
حەکایەت خوانی دووری تون پە یا پەی

(ناری)

نەى	دڵ	زو	سا	نەم	سي	رە	توو	سەم	فەس	نە
Nay	Dal	Zo	Saa	Nam	See	Ra	Too	Sam	fas	Na
-	-	u	-	-	-	u	-	-	-	u
پەى	يا	پە	تون	رى	دوو	ني	خوا	يەت	كا	حە
Pay	Yaa	Pa	Ton	Ree	Doo	Nee	Xwa	Yat	Kaa	Ha
-	-	u	-	-	-	u	-	-	-	u

اختیارات: در مصراع دوم هجای پنجم تبدیل هجای بلند به کوتاه (اختیار زبانی)

مصراع اول – u - - - u - - - u - - = ۱۱ هجا

مصراع دوم – u - - - u - - - u - - = ۱۱ هجا

با توجه به توضیحات داده شده، در صفحات بعد به تقطیع اشعار کردی می‌پردازیم اکثر اشعار تقطیعی در وزن فنی سروده شده. بخاطر یادآوری و یادگیری بهتر در تقطیع هر شعر موارد مربوط به قافیه، حروف قافیه، الحاق وردیف را نیز مشخص می‌سازیم.

کەریکم بوو، چکەر، وەک باو بوران
کەریکم بوو، چکەر، بارکیشي دەو ران

(قانع)

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱
کە	ری	کم	بوو	چ	کەر	وەک	با	و	بو	ران

Ran Boo wo Baa Wak Kar Čə Boo Kəm Ree ka

- - u - - - u - - - u

که ریّ کم بوو چ کەر بار کیّ شي دەو ران

Ran Dow Še Kee Bar Kar Čə Boo Kəm Ree Ka

- - u - - - u - - - u

بحر هزج مسدس محذوف (مفاعیلُن، مفاعیلُن، فعولن)

(- - u / - - - u / - - - u) =

اختیارات ـ زبانی: در مصراع دوم هجای نهم تبدیل هجای بلند به کوتاه

Še = u ← Šee = –

توضیحات - هجای هفتم در مصراع دوم طبق قواعد عروض فنی در فارسی کشیده بحساب می‌آید (بار = – u) اما در عروض فنی کوردی چون از امتداد واکهٔ هجاکاسته می‌شود. هجا بلند بحساب می‌آید. (بار = –) وشرط این تبدیل ساکن بودن همخوان آخر هجا می‌باشد که در این هجا (بار) همخوان (ر=C) ساکن می‌باشد اما اگر این همخوان متحرک می‌بود و سرآغاز هجای بعد از خود میشد از امتداد مصوت هجای (بار) کاسته نمیشد.

قافیه

واژه قافیه: بۆران (اسم)، دەوران (اسم)

Bu / Rān

dow / Rān

~~R~~ān = ~~c~~vc هجای قافیه

$\bar{v}c = \bar{a}n =$ حروف اصلی قافیه (ان)

A = ٠

تذکر: توضیحات فوق در مورد قافیه صدق نمی‌کند و در هجای قافیه از امتداد مصوت (ā) کاسته نمی‌شود.

به کام جیّ، کام گەوڕ، کام ناڵ وبیزمار

به کام ڕشوه وجڵ و جڵبەند و کورتان؟

مار	بیز	لۆ	نا	کام	وڕ	گه	کام	جیّ	کام	به
mar	Baz	Lǒ	Naa	kam	wǎr	Ga	kam	jee	kam	Ba
-	-	u	-	-	-	u	-	-	-	u
تان	کور	دو	بەن	جڵ	لوو	ج	وەو	ڕش	کام	به
Tan	Kor	Do	Ban	Gal	Loo	Ga	Waw	Raš	Kam	Ba
-	-	u	-	-	-	u	-	-	-	u

بحرهزج مسدس محذوف (مفاعیلُن، مفاعیلُن، فعولن)

= (- - u / - - - u / - - - u)

اختیارات ـ از هیچ نوع اختیاری استفاده نگردیده.

تذکر:

در تمام اشعاری‌که تقطیع شده هر هجایی که با همخوان (و) شروع شده باشد و یا در پایان هجا آمده باشد از حرف (W) استفاده شده و دلیل آن است که چون واکه (Vowel)را با علامت (V) نشان می‌دهیم مبادا علامت همخوان (و) با علامت واکه باعث اشتباه گردد.

واژهٔ قافیه:

کورتان (اسم)

Kor / Tan

~~T~~an = ~~c~~vc = هجای قافیه

حروف قافیه (ان) = $\bar{a}$n = $\bar{v}$c

قافیه الحاق ندارد A= ۰

جیلوەی سەبا، لەهەجەی شە ماڵ بوی زولف و خاڵی یاردە دەن

یا نە وبەهار دێنێ بە بار، مِشکي تەتار، بوی نە ستەرن؟ **(وەفایی)**

جیل وەی سە با لەهەجەی شە ماڵ بوی زول فو خا لي یار دە دەن

- u - - /- u - - /- u - - /- u - -

Dan da Yar Lee xaa fo zol Boy Mal sa jay lah Baa sa way Gel

یا نەو بە هار دێ نێ بە بار مِش کي تە تار بوینەس تە رەن

Ran ta Nas Boy Tar Ta Kee Maš Bąr Ba Nee Dee Har Ba Now yaa

- u - - /- u - - /- u - - /- u - -

بحر رجز مثمن سالم، مستفعِلُن، مستفعِلُنَ، مستفعُلِن =

(- u - - / - u - - / - u - - / - u - -)

واژه قافیه: دەدەن (فعل) نە ستەرەن (اسم)

واژۀ قافیه Da / Dan

Nas / ta / Ran

هجای قافیه ~~c~~vc = ~~R~~an , ~~D~~an

حروف اصلی قافیه (ـە ن) = vc = an

قافیه الحاق ندارد. A = ۰

نەسیمي بادي نە ورۆزي شە میمي عدبهەري هێنا

بە ریدي عاشقان دیسان پەیامي دولبەري هێنا

١ ٢ ٣ ۴ ۵ ۶ ٧ ٨ ٩ ١٠ ١١ ١٢ ١٣ ١۴ ١۵ ١۶

نە سی می با دی نەو رو زی شە می می عەب هە ری هێ نا

Naa Hee Ree Ha ?ab Mee Mee Sa Zee Roo Now Dee Baa Mee See Na

\- - - u / - - - u / - - - u / - - - u

بە ری دی عا شِ قان دی سان پە یا می دول بە ری هێ نا

Naa Hee Ree Ba Dol Mee Yaa pa San Dee Gan Sə ?aa Dee Ree Ba

\- - - u / - - - u / - - - u / - - - u

بحر هزج مثمن سالم (مفاعیلن / مفاعیلن / مفاعیلن / مفاعیلن) =

(- - - u / - - - u / - - - u / - - - u)

اختیارات ـ

در مصراع اول هجای پنجم تبدیل هجای بلند (- = Dee) به هجای کوتاه (De = U)ـ اختیار زبانی

ردیف: (هینا = (H! / Nā)

واژه قافیه: عەبهەری، دولبەری

?ab / Ha / Ri

واژه قافیه Dol / Ba / Ri

واژهٔ قافیه بدون الحاق ?ab / Ha / Ri - i = ?ab / Har

Dol / Ba / Ri - i = Dol / Bar

هجاّی قافیه Har ,Bar = Cvc

حروف اصلی قافیه (ـه ر) = Vc = ar

هجای الحاق = Cv = Ri

الحاق (يِ) $\bar{V}$ = i

حرف الحاق (ی) = A

گەردشيِ چاوت قه راريِ عاشقی مِسکین ده با
ساحريِ چاوبه سته ئارێ دل ده کێشێ دین ده با

با	ده	کین	مِس	قِی	شِ	عا	ريِ	را	قه	وت	چا	شی	دِ	گەر
Baa	Da	Ken	Mas	$\bar{G}$ee	Še	?aa	Ree	Raa	$\bar{G}$a	wat	Čaa	Šee	De	Gar
-	u	-	/-	-	u	-	/-	-	u	-	/-	-	u	-
با	ده	دین	شی	کێ	ده	دل	رێ	ئا	ته	بەس	چاو	ريِ	ح	سا
Baa	Da	Den	See	Kee	Da	Dal	Ree	?aa	Ta	Bas	Čav	Ree	He	Saa
-	u	-	/-	-	u	-	/-	-	u	-	/-	-	u	-

بحر رمل مثمن محذوف (فاعلاتن / فاعلاتن / فاعلاتن / فاعُلین) =
(- u - / - - u - / - - u - / - - u -)

اختیارات – از هیچگونه اختیاری (زبانی ، وزنی) استفاده نگردیده

ردیف: دەبا = Da / B$\bar{a}$ (فعل واژه قافیه: مسکین (صفت)، دین (اسم)
Mas / Kin

واژه قافیه Din/

هجای قافیه C$\bar{v}$c = Kin , Din

حروف قافیه (ین) = in = $\bar{V}$c

الحاق ندارد ۰ = A

تذکر:

واژه قافیه در مصراع دوم، چون یک هجایی می‌باشد (Din = cv̄c) پس خود واژهٔ قافیه هجای قافیه نیز می‌باشد.

کوڕبەبێ شک هه وري تاڵه هەر وەکوو پەروینه کچ
کوڕ وه کوو خاشاک و خاره سووسه نه و نەسرینه کچ

(قانع)

کور به بێ شک هەو ري تا ڵه هەر وه کوو پەر وی نه کچ

kač Na Wee Par Koo wa Har La Taa Re How Sak Bee Ba Kor

- u - - - u - / - - u - / - - u -

کوڕ وه کوو خا شا کو خا ره سوو سه نوو نەس ری نه کچ

Kač Na Ree Nas Noo Sa Soo Ra Xaa Ko Saa Xaa Koo wa kor

- u - / - - u - / - - u - / - - u -

بحر رمل مثمن محذوف (فاعلاتن / فاعلاتن / فاعلاتن / فاعلُن) =
(/ - u - / - - u - / - - u - / - - u -)

اختیارات زبانی : مصراع اول هجای ششم، تبدیل هجای بلند (–) به کوتاه (u) هجای هشتم تبدیل هجای کوتاه (u) به بلند (–) در مصراع دوم هجای هشتم، تبدیل هجای کوتاه (u) به بلند (–)

ردیف – ـه کچ = Kač,a (فعل و اسم)
واژهٔ قافیه: پەروین و نه سرین (اسم)
توضیح:

حروف (ـه) اگر به آخر اسم بچسبد فعل مضارع ناقص و سوم شخص مفرد است اما اگر در آخر بن ماضی قرار بگیرد فعل ماضی نقلی می‌سازد.

واژه قافیه

Par / win

Nas / Rin

Win , Rin = Cv̄c هجای قافیه

V̄c = in = (ین) حروف قافیه

A = ۰ الحاق ندارد

خوین ڕژانن مەیل ئەکەی فەرموو وە رە سەر سەیری کوڕ
دڵ بە ڕە حم ولاشە نەرم و نازک و ڕەنگینە کچ

۱۵ ۱۴ ۱۳ ۱۲ ۱۱ ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱

خوین ڕ ژا نن مەی لە کەی فەر موو وە رە سەر سەی ری کوڕ

Kor Re Say Sar Ra Wa Moo Far Kay La May Nan Zaa Ra Xwen

/ - u - / - - u - / - - u - / - - u -

دڵ بە ڕەح موو لا شە نەر موو نا ز کوو ڕەن گی نە کچ

Kač Na Gee Ran koo Ze Naa Moo Nar Sa Laa Moo Rah Ba Dal

- u - / - - u - / - - u - / - - u -

بحر رمل مثمن محذوف (فاعلاتن / فاعلاتن / فاعلاتن / فاعلُن) =
(- u - / - - u - / - - u - / - - u -)

اختیارات ـ زبانی، در مصراع اول هجای یازده، تبدیل هجای کوتاه (u) به بلند (–) و در هجای چهارده تبدیل هجای بلند (–) به کوتاه (u)

تذکر: اولین هجای مصراع اول (خوین = Xwen) یک هجای بلند بحساب می‌آید معادل: Cvc چون مصوت آن مرکب است. اگر همخوان (ن) در آخر هجا وجود نداشت مصوت بصورت بلند تلفظ می‌شد (v̄) ولی با وجود همخوان ساکن (ن) از امتداد مصوت کاسته می‌شود. برای تشخیص صحت و سقم مطلب به واژه: خوی = Xwe به معنای نمک توجه فرمائید امتداد مصوت بخوبی در آن مشخص است یعنی Xwe = Cv̄

اما به تلفظ همین مصوت مرکب (diphtong) در واژه یک هجایی خوین توجه فرمائید. متوجه می‌شویم که مصوت کوتاه است یعنی We=v در نتیجه Xwen = Cvc و یک هجای بلند به حساب می‌آید.

له ژێر زولفيَ سیا ڕوی خسته ده ر چاوی له دونیا کرد
شه وێ دێ سوبحدەم گۆیا دەری مەیخانەیان واکرد
(وەفایی)

له ژێر زول فيَ س یا ڕوی خس ته دەر چا وی له دون یا کرد
Kard Yaa Don La Wee Čaa Dar to Xas Roy Yaa Se Fee Zol Ž!r La
- - - u - - - u - - - u - - - u
شه وێ دێ سوب ح دەم گۆ یا ده رێ مەی خا نه یان وا کرد

Kard Waa Yan Na Xaa May Ree Da yaa Goo Dam H Sob Dee Wee Sa

- - - u - - - u - - - u - - - u

بحر هزج مثمن سالم (مفاعيلُن/ مِفاعيلُن/ مفاعيلُن/ مفاعيلن) =

(/ - - - u / - - - u / - - - u / - - - u)

اختیارات ـ

طبق قواعد عروض فنی در زبان کوردی از هیچ نوع اختیاری (زبانی، وزنی) استفاده نشده است.

ردیف، کِرد = Kard

واژهٔ قافیه: (دونیا (اسم)، وا (صفت)

واژهٔ قافیه Don /yā ، Wā

هجای قافیه Cv = Yā, Wā

حرف اصلی قافیه (۱) = ā =V̄

الحاق ندارد ۰ = A

لیوه که ی نالیت ده لێن عاشق له سووتان به رده دا

زه رڕه یه ک نووره به لێ ئاگر له ئینسان به رده دا

(وه فایی)

۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵

لێ وه که ی نا لێت ده لێن عا شق له سوو تان به ر ده دا

Daa Da Bar Tan Soo La Sag ?aa L!n Da Lat ?aa Kay Wa Lee

- u - / - - u - / - - u - / - - u -

زەڕ ڕە یەک نوو رە بە لێ ئا گڕ لە ئین سان بەر دە دا

Daa Da Bar San ?en La Gər ?aa Lee Ba Ra Noo Yak Ra Zar

- u - / - - u - / - - u - / - - u -

بحر رمل مثمن محذوف (فاعلاتن / فاعلاتن / فاعلاتن / فاعِلُن) =

(- u - / - - u - / - - u - / - - u -)

اختیارات:.....

الف ـ زبانی، در مصراع دوم هجای پنجم، تبدیل هجای کوتاه (u) به بلند (-)

ردیف: بە ردە دا (فعل مضارع اخباری)

واژهٔ قافیه: سووتان (مصدر)، ئینسان (اسم)

واژه قافیه Sū / Tān

? in / Sān

هجای قافیه $\not{C}\bar{v}c$ = $\not{S}\bar{a}n$, $\not{T}\bar{a}n$

حروف اصلی قافیه (ان) = $\bar{a}n$ = $\bar{V}c$

الحاق ندارد ۰ = A

کچم مایەی ژیانم یادگاری

شە بابم نە وبەری شیرینی داری

۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
ری	گا	د	یا	نم	یا	ژ	یەی	ما	چم	ک
Ree	Gaa	Də	Yaa	Nəm	Yaa	Ze	Yay	Maa	Cam	Kə
-	-	u	/ -	-	-	u	/ -	-	-	u

ری	دا	نی	ری	شی	ری	به	نەو	بم	با	شه
Ree	Daa	Nee	Ree	Šee	Ree	Ba	Now	Bam	Baa	Ša
-	-	u	/ -	-	-	u	/ -	-	-	u

بحرهزج مسدس محذوف (مفاعِلُن / مفاعِلُن / فعولن)

اختیارات -

زبانی، در مصراع دوم، هجای نهم، تبدیل هجای بلند (–) به کوتاه (u) بیت فاقد ردیف است.

واژهٔ قافیه: یادگاری - صفت نسبی). داری (صفت نسبی)

واژهٔ قافیه با الحاق Yād / Gā / Ri

Dā / Ri

واژه قافیه بدون الحاق Yād / Gā / Ri - i = Yād / Gār

Dā / Ri - i = Dār

هجای قافیه $\not{C}\bar{v}c$ = $\not{G}\bar{a}r$, $\not{D}\bar{a}r$

حروف اصلی قافیه (ار) = $\bar{V}c = \bar{a}r$

هجای الحاق = $\not{C}v$ = $\not{R}i$

(ي) = $A = \bar{V} = i$

حرف الحاق (ي) = A

سه ری کولمێ له نێو زولفي سیادا

ئیشاریکه له نووری شه و چرا دا

۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
دا	یا	سِ	فیِ	زۆل	نیۆ	له	مِت	كوڵ	رِي	سه
Daa	Yaa	Se	Fee	Zol	New	La	Mət	Kol	Ree	Sa
-	-	u	/ -	-	-	u	/ -	-	-	u
دا	را	چ	شه‌و	رِي	نوو	له	که /	رێ	شا	ئی
Daa	Raa	Ča	/Šow	Ree	Noo	La	/Ka	Ree	Šaa	?e
-	-	u	/ -	-	-	u	/ -	-	-	u

بحر هزج مسدس محذوف (مفاعِلُن،مفاعِلُن،فعولن) =
(- - u / - - - u / - - - u)

اختیارات -

زبانی، در مصراع دوم هجای چهارم، تبدیل هجای کوتاه (u) به بلند (–)

ردیف = دا (پسوند)

واژهٔ قافیه: سیا (صفت)، شه و چرا (اسم مرکب)

واژه قافیه Se / Y$\bar{a}$

Šow / Čə / R$\bar{a}$

هجای قافیه ~~C~~$\bar{V}$ = ~~R~~$\bar{a}$, ~~Y~~$\bar{a}$

حرف اصلی قافیه (۱) = $\bar{A}$ = $\bar{V}$

الحاق ندارد A = ۰

وزن دوری در شعر کوردی

در اشعاری که دارای وزن دوری یا متناوب هستد. هر مصراع از دو نیم مصراع قرینه تشکیل می‌شود و مانند یکی از قواعد شعر دوری در فارسی هر گاه هجای پایانی نیم مصراع کوتاه باشد آن را بلند بحساب می‌آوریم.

مشخصات اوزان دوری

مشخصات اوزان دوری در اشعار فارسی و کوردی یکی است با این تفاوت که در فارسی هرگاه هجای کشیده (u-) که معادل C$\bar{v}$c یا c$\bar{v}$cc می‌باشد در پایان نیم مصراع قرار بگیرد تبدیل به هجای بلند (–) می‌شود یعنی بجای هجای کشیده با علامت (- u) علامتِ هجای بلند (–) قرار می‌دهیم که با توجه به توضیحات داده شده در صفحات قبل چون در وزن فنی کوردی و هم چنین در وزن عددی هجای کشیده وجود ندارد در نتیجه هرگاه هجای معادل c$\bar{v}$c یا c$\bar{v}$cc باشد با توجه به کم شدن دامنهٔ واکه آن را هجای بلند بحساب می‌آوریم.

مشخصات:

الف ـ بعد از پایان هر نیم مصراع وقفه یا مکثی بالقوه یا بالفعل

بوجود می‌آید.

ب - وزن دوری از ارکان متناوب تشکیل می‌شود

پ - هجای پایانی نیم مصراع‌ها در صورتیکه کوتاه باشد در تقطیع آن را بلند بحساب می‌آوریم

ت - هجاهای هر مصراع در وزن دوری زوج است، پس تعداد هجاهای هر نیم مصراع فرد می‌باشد

مثال:

١- ساقی له په رده دەرهات جامی شەرابی هینا
دڵ خیره ما له حیرەت مه ئافتابی هینا

(سالم)

٢- سەر بەردە بازی ڕێتە.تەن تەختەبەندی جێ تە
دڵ مه یلی خاکی پێتە، ڕوح مالی خوتە بی‌بە

(نالی)

٣- جاما ژدەستِ شاهد ژەنگی ژدِڵ دە شووتن
پیری موغان ژ ڕە ندان وە وە دە کر ڕوایە ت

(مە لای جزیری)

۴- دەستم لە گە ردنی خوت هە ڵمەگرە ئەی حەبیبە
وەبزانە خوینی خومە یا منە تی ڕە قیبە

(نالی)

۵- دەچمە سەر کێوێکی بە رزپڕ بە دڵ هاوارئە کەم
دارو بە ردی دەشت و دوڵ من لە خە و بێدارئە کەم

(ئە کرەم)

ساقی له پەردە دەرهات جامی شەرابی هێنا
دڵ خیرە ماڵە حیرەت مە ئافتابی هێنا

(سالم)

۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴

سا قی له پەر دە دەر هات جا می شه را بی هێ نا

Naa Hee Bee Raa Sa Mee jaa Hat Dar Da Par La Gee saa

- - u - u - - / - - u - u - -

دڵ خی رە ما له حی رەت مەهـ ئا ف تا بی هێ نا

Naa Hee Bee Taa F ?aa Mah Rat Hee La Maa Ra Xee Dal

/ - - u - / u - - / - - u - / u - -

بحر مضارع اخرب (مفعولُ فاعلاتُن / مفعولُ فاعلاتُن) =

(- - u - / u - - | - - u - / u - -)

اختیارات -

زبانی، در مصراع اول و دوم هجای ۱۲، تبدیل هجای بلند (-) به کوتاه (u)

توضیح:

طبق مشخصات وزن دوری بعد از نیم مصراع اول: (ساقی له په رده دەرهات) بامکثی کوتاه نیم مصراع دوم را شروع می‌کنیم در هر نیم مصراع هفت هجا وجود دارد:

۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
(–	–	U	–	U	–	–)

و تعداد هجاهای هر مصراع زوج است و از چهارده مصراع تشکیل گردیده:

۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
(–	–	U	–	U	–	–)
۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸
(––	––	U	––	U	–	–)

ردیفـ هێنا (فعل ماضی ساده)

واژهٔ قافیه: شه رابی، ئافتابی

Šа / Rā / Bi واژهٔ قافیه با الحاق

?ā / fe / Tā / Bi

Šа / Rā / Bi - i = ša/ Rāb واژهٔ قافیه بدون الحاق

?ā / fe / tā / Bi - i = ?af / Tāb

Rāb , Tāb = cvc هجای قافیه

v̄c = āb = (اب) حروف اصلی قافیه

Bi = c̄v → هجای الحاق → A = V̄ = i = (ی) الحاق

یه ک زه ڕه عه‌کسی پڕته و ده‌رکه وت و توری سووتاند

ئاوینه سه‌خت ڕووبوو له‌ ‌ی عه‌کسه تابی هێنا

۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
تاند	سوو	ڕي	تۆ	تو	که‌و	ده‌ر	ته‌و	پڕ	سي	عه‌ک	ڕه	زه‌ڕ	یه‌ک
Tand	Soo	Rey	Too	To	Kow	Dar	Tow	Păr	Sy	?ak	Ra	zar	Yak
-	-	u	-	u	-	- /	-	-	u	-	u	-	-

نا وێ نه سەخ ت ڕوو بوو لەو عەک سە تا بێ هێ نا

Naa Hee Beé Taa Sa ?ak Low Boo Roo T Sax Na Wee ?aa

- - u - u - - / - - u - u - -

بحر مضارع احزب (مفعولُ فاعلاتن / مفعولُ فاعلاتن) =

(- - y - / u - - l - - u - / u - -)

اختیارات: - زبانی -

در مصراع اول هجای پنجم ودوازدهم، تبدیل هجای بلند (–) به کوتاه (u)

در مصراع دوم هجای دوازدهم تبدیل هجای بلند (–) به کوتاه (u)

توضیح:

هجای پایانی مصراع اول (تاند) هجای کشیده میباشد (درعروض فنی فارسی) و معادل cvccاما با توجه به توضیحات داده شده در صفحات قبل آن را بلند بحساب می‌آوریم

سەربەر دە بازي ڕێتە تەن تەختەبەندی جێتە

دڵ مەیلی خاکی پێتە ڕوح ماڵی خۆتە بیبە

(نالی)

۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴

سەر بەر دە با زيِ ڕێ تە تەن تەخ تە بەن دیِ جێ تە

Ta Jee Def Ban ta Tax Tan Ta Ree Zef Baa da Bar sar

- - u - u - - /- - u - u - -

دڵ مەی لی خا کی پێ تە ڕوح ما لی خو تە بی بە

Ba Bee Ta Xoo Lef Maa Roh Ta Pee Kef Xaa Lef May Dal

- - u - u - - /- - u - u - -

بحر مضارع احزب (مفعول فاعلاتن / مفعولُ فاعلاتن) =

(- - u - / u - - | - - u - / u - -)

اختیارات - الف زبانی:

در مصراع اول هجای پنجم ودوازدهم، تبدیل بلند به کوتاه (u)

در مصراع دوم هجای سوم و پنجم و دهم، تبدیل هجای بلند (–) به کوتاه (u)

ب وزنی:

هجای پایانی نیم مصراع‌ها بلند به حساب می‌آید، یعنی هجای هفت و چهارده در هر دو مصراع

جاما ژ دەستِ شاهد ژەنگی ژدڵ دەشووتن

پیری موغان ژڕە ندان وەوەدە کِر روایەت

(مەلای جزیری)

جا ما ژ دەس ت شا هد ژەن گی ژ دڵ دە شوو تن

Tan Soo Da Dal Za Gee Zan Hed Saa Te Das Za Maa Jaa

- - u - u - - /- - u - u - -

پی ری مو غان ژ ڕەن دان وەهوەهـ دە کر ڕو وا یەت

Yat Waa Ro Kər Da Wah wah Dan Ran Žə ġan Mo Ree pee

- - u - u - - /- - u - u - -

بحر مضارع احزب (مفعولُ فاعلاتن / مفعولُ فاعلاتن) = (- - u - / u - - ا - - u - / u - -) از هیچگونه اختیاری استفاده نشده است.

دەستم لە گەردنی خوت هە ڵمە گرە ئەی حەبیبە

وە بزانە خوینیخوڵە یامنە تیڕە قیبە

(نالی)

۱۴ ۱۳ ۱۲ ۱۱ ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱

دەس تم لە گەر د نی خوت هەڵ مەگ رە ئەی حە بی بە

Ba Bee Ha ?ay Ra Mag Hal Xot Nee Də Gar La Təm Das

- - u - u - - /- - u - u - -

وەب زا نە خوی نی خو مە یا من نە تی ڕە قی بە

Ba Gee Ra Tee Na Mėn Yaa / Ma Xoo Nee Xwe Na zaa wab

- - u - u - - - - u - u - -

بحر مضارع احزب (مفعولُ فاعلاتن / مفعولُ فاعلاتن) =

(- - u - / u - - ا - - u - / u - -)

اختیارات (الف زبانی: مصراع دوم هجای پنجم، تبدیل مصوت بلند (–) به کوتاه (u)

ب. وزنی: هجای پایانی نیم مصراع‌های: ۲ و ۳ و ۴ که کوتاه می‌باشند بلند بحساب می‌آیند.

شعرردیف ندارد چون (ـه) در حبیبه علامت تانیث است و در رقیبه فعل می‌باشد.

واژهٔ قافیه: حه‌بیبه، ره‌قیبه

واژهٔ قافیه با الحاق Ha / Bi / Ba

Ra / $\bar{G}$i / Ba

Ha / Bi / Ba - a = Ha / Bib واژهٔ قافیه بدون الحاق

Ra / $\bar{G}$i / Ba - a = Ra / $\bar{G}$ib

~~B~~ib , ~~$\bar{G}$~~ib = C$\bar{v}$c هجای قافیه

$\bar{V}$c = ib = (یب) حروف اصلی قافیه

Ha/ Bi / Ba واژهٔ قافیه با الحاق

Ra / $\bar{G}$i / Ba

~~B~~a = ~~c~~v = هجای‌الحاق

V = a = (ـه) → A= (ـه) الحاق

دەچمە سەر کیویکی بە زر پڕ بە دڵ هاوارئە کەم

دارو بەردی دەشت ودوڵ من لە خەو بێدار ئەکەم

(ئەکرەم)

۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴

دەچ مە سەر کێ وێ کی بەرز پڕ بە دڵ ها وا رە کەم

Kam Ra Waa Haa Dǒl Ba Pař /Barz Kef Wee Kee Sar Ma Dač

- u - - - u - /- u - - - u -

دا رو بەر دێ دەش توو دوڵ/ مِن لە خەو بی دا رە کەم

Kam Ra Daa Bee Xow La Man /Doľ Top Daš Dee Bar Ro Daa

- u - - - u - /- u - - - u -

فاعلاتن / فاعلن (- u - - / - u - - ا - u - / - - u -)

اختیارات: زبانی:

در مصراع اول و دوم هجای ششم، تبدیل هجای بلند (–) به کوتاه (u) در مصراع اوّل و دوّم هجای سیزدهم، حذف همزه صورت گرفته است.

ردیف ـ ئه کەم ـ (فعل مضارع اخباری)

واژه قافیه ـ هاوار ، بێدار

Hā / wār واژهٔ قافیه

B! / Dār

~~W~~ār , ~~D~~ār = Cv̄c

v̄c = ār = حروف اصلی قافیه (ار)

A = ٠

پایان

منابع:

۱- وزن شعر فارسی، استاد دکتر خانلری

۲- سبک شناسی ـ ج اول ـ استاد محمد تقی بهار

۳- مقدمه‌ای بر عروض فنی در فارسی: استاد شمیسا

۴- عروض و قافیه: استاد کامیار

۵- کتاب عروض : استاد عبدالکریم مدرس